



نقش بزه دیده بر مسئولیت بزهکار در قانون مجازات اسلامی از منظر آموزه‌های بزه دیده شناسی علمی

جمال بیگی^۱
حکیمه یزدانی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۹/۱۵

چکیده

بر اساس یافته‌های بزه دیده شناسی علمی، به‌منظور پی بردن به علل بزهکاری بر پایه یافته‌ها و ملاک‌های علمی و جرم‌شناسانه به مطالعه تقصیر بزه دیده - به‌عنوان یکی از ارکان اصلی جریان کیفری - در تکوین رویداد جنایی از گذر روابط میان بزه دیده و بزهکار پرداخته می‌شود، تا این امر موجب درک بهتر و تحلیل قوی‌تر فرآیند ارتکاب جرم شود و زمینه را برای اجرای عدالت و تحقق اصل فردی کردن مجازات در مباحث تقصیر بزه دیده فراهم کند. در پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی، با تأثر از آموزه‌های بزه دیده شناسی علمی، تقصیر بزه دیده در ارتکاب جرائم مستوجب حد، قصاص، دیه و تعزیر را در رویکرد قانون مجازات اسلامی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

کلید واژه‌ها

بزه دیده، تقصیر بزه دیده، مسئولیت کیفری، بزه دیده شناسی علمی، قانون مجازات اسلامی.

مقدمه

همسو با فرآیند جهانی‌سازی حقوق و به‌ویژه علوم جنایی، بزه دیده^۳ که درگذشته یکی از کنشگران فراموش‌شده‌ی جرم بود؛ به یکی از کانون‌های توجه در سیاست‌گذاران بین‌المللی و

^۱ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. (نویسنده مسئول). jamalbeigi@iau

maragheh.ac.ir

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

hakime.yazdani@gmail.com

^۳.Victim.

داخلی به‌عنوان یکی از دغدغه‌های مهم نظام‌های حقوقی مختلف تبدیل شد. به‌طوری‌که ورود بزه دیده به فرآیند دادرسی جنایی تحولاتی را در جرم‌شناسی به وجود آورد که در نتیجه‌ی این تحولات به بررسی روابط بزه دیده و مباشر رفتار مجرمانه پرداخته شد و این امر زمینه مناسبی را برای ایجاد شاخه‌ای در جرم‌شناسی به نام «بزه دیده شناسی»^۱ به دست داد. (گسن، ۱۳۹۲: ۱۸۹) اصطلاح بزه دیده شناسی در اصل به «دانش مطالعه قربانیان جرم» اطلاق می‌شود که با انتقاد از ماهیت سنتی بزهکار مدار جرم‌شناسیبه وجود آمد. (Karmen, 1990: 12)

شافر^۲ بزه دیده شناسی را مطالعه مستقل روابط و تعامل‌های میان بزهکار و بزه دیده قبل از رخداد جرم، در جریان رخداد جرم و پس‌از آن معرفی می‌کند. مسئولیت کارکردی در نظریه شافر بدین معنی است که افراد در جامعه دارای نقشی کارکردی در جلوگیری از گزینشی هستند که به خطا و تجاوز می‌انجامد و در این میان، نقش بزه دیده پیشگیری از بزه دیدگی خود است. بر این اساس شافر نیز غفلت و نقش شتاب‌دهنده یا اثرگذار بزه دیده را در انجام جرم موثر و تمرکز بر بزه دیده را لازم می‌داند. (Schafer, 1964-68: 152)

از دیدگاه نظری و تاریخی، بزه دیده شناسی در قلمرو علوم جنایی بر بنیانی دوگانه استوار است: از یک طرف این قلمرو مطالعاتی به نقش سرزنش‌آمیز بزه دیده در فرآیند رخداد جرم از نظرگاهی علت شناسانه توجه می‌کند و از سوی دیگر، بزه دیده را گذشته از تقصیر یا بی‌تقصیریشایسته حمایت می‌داند. (Karmen, 2018) چراکه بزه دیدگی، ترکیبی از احساس ناامنی و ترس از جرم را بر تجربه و درک قربانیان جرائم باقی می‌گذارد که می‌تواند اثرهای مستقیمی بر کیفیت زندگی افراد داشته باشد. (Christmann & Rogerson, 2004) رویکرد نخست بزه دیده شناسی که در نیمه نخست سده بیستم مطرح شد، در مورد بزه دیده نگرشی منفی به جایگاه او در فرآیند مجرمانه دارد و او را یک رکن و عنصر حیاتی در وضعیت مستعد ارتکاب جرم می‌داند و به تعامل پویای میان بزه دیده و بزهکار توجه دارد و معتقد است که همین تأثیر بزه دیده در فرآیند ارتکاب جرم حقوق کیفری را نیز متأثر می‌سازد و قابلیت تحمیل مجازات بر بزه دیده را امکان‌پذیر می‌داند. (بیگی، ۱۳۸۸: ۴۹) در حقیقت بزه دیده شناسی علمی بر این اندیشه استوار است که بزه دیده یکی از ارکان پیش جنایی و مؤثر در ارتکاب جرم است که در تصمیم‌گیری بزهکار برای به فعل درآوردن اندیشه مجرمانه و یا گذر از اندیشه

۱. Victimology.

۲. Schafer.

مجرمانه به عمل مجرمانه ایفای نقش می‌کند و هدفش تبیین و تحلیل تقصیر بزه دیده در تکوین جرم و آثار آن بر میزان مسئولیت کیفری بزه‌کار هست. (رحیمی نژاد، ۱۳۸۸: ۳۴)

رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه دیدگان، سهل‌انگاری، بی‌احتیاطی و مراقبت نکردن آنان شیوه‌ای است که اهمیت اوضاع و احوال ارتکاب جرم و عوامل تحریک‌کننده را روشن می‌سازد و ارتباط تنگاتنگ برخی جرائم با اوضاع و احوال ارتکاب آن‌ها را نشان می‌دهد. (بابایی، ۱۳۹۰: ۲۷۶)

بنابراین توجه به بزه دیده و تقصیر او در ارتکاب جرم که از دستاوردهای بزه دیده شناسی علمی است بر میزان مسئولیت کیفری بزه‌کار در قضاوت‌های کیفری موثر است و می‌تواند موجب درک بهتر و تحلیل قوی‌تر فرآیند ارتکاب جرم شود و زمینه را برای اجرای عدالت و تحقق اصل فردی کردن مجازات که در مباحث تقصیر بزه دیده در وقوع جرم در قالب نهادهای مختلف مانند کیفیات مخففه، تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم، سقوط و تخفیف مجازات نمایان می‌شود، فراهم کند.

در سیاست جنایی ایران نیز به تبع تلاش‌های بین‌المللی در جهت شناخت بزه دیده شناسی، شاهد نوآوری‌ها و تحولاتی در این زمینه هستیم. زیرا از آغاز دهه هفتاد خورشیدی با طرح بحث‌های جرم‌شناسی، مفهوم بزه دیده در جرم‌شناسی و مباحث علوم جنایی بیش‌تر مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس قانون‌گذار ایران برای اولین بار در ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان، لفظ «بزه دیده» را به جای «مجنی علیه» به‌کار برده است. (بیگی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۴)

توجه به بزه دیده و مطالعه او از منظر تأثیرگذاری در ارتکاب جرم اهمیت فراوانی دارد، اما تاکنون بیش‌ترین نگرش به بزه دیده، نگرش حمایتی بوده است و او به‌عنوان قربانی جرم همواره نکته عطفی محسوب می‌شد و کم‌تر به مباحث تقصیر بزه دیده و این‌که او می‌تواند با کردار اجتماعی و نیز با نوع تعاملش با دیگران الهام‌بخش اندیشه مجرمانه باشد و ارتکاب جرم را سبب شود، پرداخته شده است (پاک روش، ۱۳۸۷: ۵۱) و از آن جایی که سهم بزه دیده در تکوین جرم و تعامل و ارتباط وی با بزه‌کار به‌عنوان عامل اصلی جرم انکارناپذیر است، بنابراین بزه دیده شناسی که شاخه‌ای از جرم‌شناسی و واکنش اجتماعی است، به بررسی بزه دیده به‌عنوان فردی که می‌تواند با اعمال و گفتار تحریک‌آمیز خود سبب جنایت علیه خود را فراهم آورد، پرداخته و در واقع از او به‌عنوان یک وضعیت پیش‌جنایی^۱ یا عامل محرک یاد کرده است.

^۱ وضعیت‌های پیش‌جنایی، وضعیت‌های خاص یا خطرناکی هستند که در آن‌ها نیاز به جست‌وجوی موقعیت و مناسبت به‌منظور ارتکاب جرم نیست یا وضعیت‌های غیر خاص و بی‌شکل هستند که در آن باید به دنبال پیدا کردن موقعیت و مناسبت برای ارتکاب جرم بود. (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۵: ۲۶۹)

(سماواتی پیروز، ۱۳۸۵: ۸۳) در نظریه پویایی جنایی^۱ نیز بر نقش شرایط و اوضاع و احوال گوناگون در فرآیند رخداد جرم تأکید می‌شود و این نظریه با مفهوم جرم شناسانه‌ای با عنوان «فرآیند گذار قصد به رفتار مجرمانه»^۲ پیوندی خورد که بر پایه آن، بزه دیده و کنش یا رفتار او می‌تواند شرایط و اوضاع و احوال مناسبی برای آسان کردن فرآیند ارتکاب جرم فراهم کند. بدین‌سانمی توان اذعان داشت که علوم جنایی معاصر بر پایه مطالعات بزه دیده شناسی، نقش بزه دیده در فرآیند جنایی را موثر دانسته و آن را عاملی بر تخفیف یا رفع مسئولیت کیفری بزهکار قلمداد کرده است و پیرو آن، برای بزه دیده نیز مسئولیت قائل شده است، با این تفاوت که مفهوم «سرزنش»^۳ جای مفهوم «مسئولیت»^۴ را در گفتمان جدید گرفته است. (زکوی، ۱۳۹۱: ۱۱)

در قانون مجازات اسلامی هم قانون‌گذار تقصیر بزه‌دیده در ارتکاب جرم را که از دستاوردهای بزه‌دیده‌شناسی علمی است، پذیرفته و تقصیر بزه دیده را موثر بر مسئولیت کیفری بزهکار می‌داند. به‌طوری‌که برای حمایت کم‌تر از بزه دیدگانی که با رفتار و گفتار تحریک‌آمیز یا بی‌احتیاطی خود مسئولیت موثر در ارتکاب جرم داشته‌اند، با الهام از دستاوردهای نوین بزه دیده شناسی، اغلب تخفیف مجازات بزهکار را که به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاست فردی کردن مجازات است، در نظر گرفته و دلیل آن را نقش شتاب‌دهنده بزه دیده در ارتکاب جرم دانسته است (جوان جعفری و شاهیده، ۱۳۹۲: ۱۳۲) و سهم تام بزه دیده را در فرآیند پدیده مجرمانه در موارد اندکی پذیرفته است. از سوی حقوق‌دانان برای توجیه تخفیف مجازات دو نظریه ذهنی^۵ و عینی^۶ ابراز شده است. (مالکی زاده، ۱۳۸۷: ۵) استدلال طرفداران نظریه ذهنی آن است که خطر بزهکاری که با تحریک بزه دیده مرتکب جرم شده، بسیار کم‌تر از بزهکاری است که با سوء نیت قبلی و تهیه مقدمات اقدام به ارتکاب جرم نموده است. طرفداران نظریه ذهنی نیز برای توجیه تخفیف مجازات به تقصیر و خطای بزه دیده استناد می‌کنند، این گروه ضمن طرح مسئله خطای متقابل و تجزیه مسئولیت جزایی؛ بر این باورند کسی که دیگری را تحریک کرده و باعث وقوع جرم شود خود خطاکار است و اجرای عدالت اقتضا می‌کند به نسبت تقصیر و خطای او از مجازات مرتکب کاسته شود. بر همین

1. Criminal Dynamic Theory.

2. Acting out.

3. Blame.

4. Responsibility.

5. Subjective.

6. Objective.

اساس برخی از نویسندگان خطای شخص تحریک‌شده را در واقع پاداش شخص محرک دانسته‌اند. (باهری و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۱۱) اما ذکر این نکته هم ضروری است که مقصر دانستن بزه‌دیده می‌تواند دارای عواقب سوئی باشد، زیرا اگر بزه دیده احساس نکند که با وی رفتار درستی خواهد شد، ممکن است در برابر نظام عدالت کیفری و مراکز حمایت از بزه دیدگان مانع ایجاد کند و در توسل به پلیس و دیگر مراکز حمایت از بزه دیدگان با تردید مواجه شود. (مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۹۳: ۹۳۳)

لکن مسئله مهم در قانون مجازات اسلامی این است که با این که قانون‌گذار آگاهانه در قانون مجازات اسلامی، تأثیر تقصیر بزه دیده بر مسئولیت کیفری بزهکار را پذیرفته است، اما آن را بیش‌تر محدود به تعزیرات کرده و در مواردی مانند حدود، قصاص و دیات با توجه به ثابت بودن این دسته از مجازات، به این موضوع به‌صورت قاعده‌ای عام توجه نکرده و تنها در برخی موارد استثنایی آن را پذیرفته است که این امر خود جای تأمل دارد؛ زیرا اعمال سیاست فردی کردن مجازات تنها در تعزیرات و چشم‌پوشی کردن از آن در حدود و قصاص و دیات، با مبانی مسئولیت کیفری بزهکار در تعارض است. درحالی که دلیلی بر منحصر کردن نهادهای کیفیات مخففه، تبدیل، سقوط و تعلیق مجازات به مجازات‌های تعزیری وجود ندارد. بنابراین در مواردی مانند قصاص نیز با توجه به مخدوش شدن اراده آزاد مرتکب حتی به‌صورت جزئی در اثر تقصیر بزه دیده در ارتکاب جنایت علیه خود؛ چه گونه می‌توان مرتکب را همانند شخصی که بازاده آزاد مرتکب جرم شده است کیفر داد و از اجرای کیفیات مخففه، تبدیل و حتی تصنیف مجازات خودداری کرد. درحالی که حتی در متون فقهی نیز برابر قاعده اقدام و احتیاط در دماء و قاعده درأ با توجه به تقصیر بزه دیده در ارتکاب جنایت علیه خود حسب مورد جرم مذکور ثابت نمی‌شود، به‌طوری که می‌توان این ادعا را با عنایت به ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد «هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود» ثابت کرد. چراکه حکم این ماده مستند به قاعده «درأ» هست و قانون‌گذار مفاد آن را علاوه بر حدود، به جرائم تعزیری و قصاص و دیات نیز سرایت داده است و این قاعده را می‌توان مطابق با اصل برائت و احتیاط به حساب آورد و با استناد به اصل احتیاط در خون‌ها، اجرای قاعده را در قصاص و دیات ضروری دانست. (زرعت، ۱۳۹۴: ۲۰۴-۲۰۳)

مسئله اساسی در پژوهش حاضر این است که در قانون مجازات اسلامی، تقصیر بزه دیده با توجه به آموزه‌های بزه دیده شناسی علمی چه تأثیری بر مسئولیت بزهکار دارد؟ لذا هدف از

تبیین مواد قانون مجازات اسلامی ناظر بر موضوع تقصیر بزه دیده، بررسی و شناخت ویژگی‌های بزه دیدگان در جهت پیشگیری از جرم از دیدگاه بزه دیده شناسی علمی است. چراکه گاهی بزه دیده آگاهانه یا ناآگاهانه وضعیت پیش جنایی مناسبی را برای ارتکاب جرم فراهم می‌سازد، بنابراین به نظر می‌رسد با بررسی انواع کنش‌های متقابل میان بزه دیده و بزه‌کار می‌توان الگوی مناسبی را برای متولیان سیاست جنایی ایران در زمینه پیشگیری از جرائم و مسئولیت کیفری بزه‌کار ارائه داد و خلاءهای قانونی (ثابت بودن مجازات قصاص و دیات) که در مواردی مانع کاربرد آموزه‌های بزه دیده شناسی علمی در رسیدگی به پرونده‌های کیفری می‌شود را اصلاح کرد. با توجه به این که هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش بزه دیده در ارتکاب جرم و تاثیر تقصیر وی در گستره مسئولیت بزه‌کار با رویکردی بر قانون مجازات اسلامی است، در راستای باز کردن روزه‌ای جدید در مبحث تقصیر بزه دیده در ایجاد اوضاع و احوال موثر در مسئولیت بزه‌کار و توجه مقنن بر تقصیر بزه دیده بر پایه آموزه‌های بزه دیده شناسی علمی، ضرورت داشته بعد از تعریف و شناسایی جایگاه بزه دیده شناسی در علوم جنایی و معرفی اجمالی شاخه‌های آن، به توصیف بزه دیده شناسی علمی و آموزه‌های آن تمرکز گردد (قسم اول) و سپس به منظور تبیین تقصیر بزه دیده و تاثیر آن بر گستره مسئولیت بزه‌کار در قانون مجازات اسلامی، طی مباحث قسم دوم مقاله، به جلوه‌های تقصیر بزه دیده در چارچوب کتاب کلیات، حدود، قصاص، دیات و تعزیرات پرداخته شود.

۱. بزه دیده شناسی علمی و توجه بر تقصیر بزه دیده

بزه دیده شناسی در دوره تحول خود که از یک رویکرد انسان‌گرایانه و به عبارتی حقوق بشری برخوردار شده است، جایگاه خود را به عنوان شاخه‌ای از جرم شناسی پیدا کرده است و اهمیت آن از آن جا روشن می‌شود که شاخه‌های دیگر جرم‌شناسی، آن نتیجه مطلوب را به دست نداده است و به علت شکست علت‌شناسی جنایی و نیز سیاست پیشگیری از جرم و تکرار آن، بزه دیده شناسی چشم انداز جدیدی در جرم شناسی ارائه داده و باعث غنی شدن جرم شناسی علمی و حل معمای جرم گردیده است. از دیگر آورده‌های بزه دیده‌شناسی، روش تحقیقاتی است که در مطالعات جرم به وجود آمده است، به ویژه برای ارزیابی رقم سیاه بزه‌کاری و آن عبارت از تحقیقات پیرامون اظهارات بزه دیدگان یا استفاده از روش‌هایی در نظر سنجی می‌باشد. میان بزه‌کار و بزه دیده تفاوتی از لحاظ زیست‌شناسی و روان‌شناسی وجود ندارد و این نقش تا حد زیادی قابل معاوضه است و لذا این برداشت سنتی که «بزه دیده یک

فرد مظلوم است»، کنار گذاشته شده است. بدین ترتیب، بزه دیده‌شناسی اگر چه هنوز گام‌های اولیه را بر می‌دارد، اما بدون تردید تا کنون ذهن قانون‌گذاران و جرم‌شناسان را در خصوص بزهکاری باز و روشن کرده و سبب شده است که مطالعات جرم‌شناسی کامل‌تر از گذشته گردد. (نجفی ابرند آبادی، ۷۴-۱۳۷۳: ۲۸۴) حاصل مطالعات این رشته در مورد شخصیت بزه دیده در رابطه او با مجرم پیش از ارتکاب جرم و پیدایش و تولد دور نمای جدیدی در سیاست جنایی مبتنی بر بزه دیده بوده است. لذا اگر تاکنون سیاست جنایی حول محور بزهکار عمل می‌کرد، با ورود این رشته دارای تأسیساتی شده است که بخشی از آن شامل بزه دیده می‌شود و از این پس، کنترل بزه و مبارزه با بزهکاری از خواسته‌های بزه دیده نیز پیروی می‌کند.

اصطلاح بزه دیده‌شناسی یکی از مفاهیمی است که درباره معنای آن میان دانشمندان علوم اجتماعی، از جمله جرم‌شناسان و روان‌شناسان همواره بحث می‌شود. در این میان از آن جا که جرم‌شناسان بیشترین سهم را در رواج دادن این اصطلاح به منزله یک حوزه مطالعاتی خاص داشته‌اند، نظر غالب این است که اصطلاح مذکور در اصل به حوزه مطالعاتی خاصی برای بررسی رابطه میان قربانی جرم و بزهکار باز می‌گردد که از دهه هفتاد میلادی به حوزه وسیع‌تری فراتر از قربانیان جرم به ویژه به قلمرو قربانیان نقض‌های حقوق بشری نیز گسترانده شده است. بدین سان می‌توان گفت که این اصطلاح چه از دیدگاه علمی و تجربی برای مطالعه نقش قربانی جرم در فرآیند شکل‌گیری پدیده مجرمانه و چه از نظرگاه سیاسی برای تحقیق درباره حمایت از قربانیان نقض‌های حقوق بشری، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

عزت فتاح که سهم مؤثری در تکامل بزه‌دیده‌شناسی دارد، در تعریف آن می‌نویسد: «بزه‌دیده‌شناسی عبارت است از شاخه نوین جرم‌شناسی که به مطالعه زیان دیده مستقیم جرم می‌پردازد و مجموعه اطلاعات زیست‌شناختی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی مربوط به او را روشن می‌کند، این گرایش هم‌چنین مشخصات فرهنگی و اجتماعی بزه دیده و روابط با مجرم و سهم وی در ارتکاب جرم را معین می‌کند». (Fattah, 1991: 8) برخی نیز با اشاره به موضوع بزه دیده‌شناسی و قلمرو آن، امکان عینی تعیین مسئولیت کیفری بزهکار را منوط به ملاحظه روابط بزه دیده با بزهکار و شناخت سهم بزه دیده در وقوع جرم دانسته‌اند. (آشوری، ۱۳۷۴: ۷۰) بنابراین مطالعه علمی ویژگی‌های زیستی و روانی و اجتماعی بزه دیده و نقش او در ارتکاب جرم و شناخت کلیه حالت‌ها و مسائلی در بزه دیده‌شناسی مطرح می‌گردد که گریبانگر فرد بزه دیده می‌شود و از شیوه‌های مدرن پاک کردن تبعات مخرب جنایت واقع شده از ذهن قربانی سخن به میان می‌آورد. (توجهی و نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷: ۷۴-۷۳)

بزه‌دیده‌شناسی بر بنیانی دو گانه استوار است: از یک سو، این قلمرو مطالعاتی با رویکرد کیفی به قربانی‌شناسی، به نقش سرزنش‌آمیز بزه دیده در فرایند رخداد جرم و تأثیر دادن آن در تعیین ضمانت اجرای جنایی از نظرگاه علت‌شناسانه توجه می‌کند و از سوی دیگر در رویکرد حمایتی و حقوق بشری به قربانی‌شناسی، بزه دیده را، گذشته از تقصیر یا بی‌تقصیری، شایسته حمایت می‌داند. البته نظر آن دسته از جرم‌شناسانی که علاقه‌مند هستند آموزه‌های نخست را به منزله قلمرو مطالعاتی و آموزه‌های دوم را جنبشی اجتماعی و ایدئولوژیکی توصیف کنند، در بزه دیده‌شناسی به چالش کشیده می‌شود. زیرا این واقعیت که بزه دیدگی و بزه دیده سازی ممکن است در مسائل سیاسی ریشه داشته باشد، هرگز مانعی برای مطالعه علمی بزه دیدگان به منظور مطالعه دقیق تر بزه دیدگی و بزه دیده‌سازی و نیز یافتن راه‌های حمایت هر چه بهتر از آنان، تلقی نمی‌شود.

بزه دیده‌شناسی علمی شاخه‌ای از جرم‌شناسی جدید است که به مطالعه قربانیان جرم می‌پردازد. در واقع این شاخه بزه دیده‌شناسی، نگرشی منفی به جایگاه بزه دیده در فرآیند مجرمانه دارد و بزه دیده را عاملی مؤثر در تحقق جرم می‌پندارد (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۲۸۸). هدف بزه دیده‌شناسی علمی، تبیین و تحلیل نقش و سهم بزه دیده در تکوین جرم و رابطه اش با بزه‌کاران است. به این ترتیب، بزه دیده یکی از ارکان پیش‌جنایی و مؤثر در ارتکاب جرم است که در تصمیم‌گیری بزه‌کار برای به فعل درآوردن اندیشه مجرمانه و یا گذار از اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه ایفای نقش می‌کند. این دیدگاه نخستین بار توسط هانس فون هنتینگ که از پیشگامان بزه دیده‌شناسی است مطرح گردید. وی در اثر خود تحت عنوان «بزه‌کار و قربانی او»، مفاهیم «بزه‌کار-بزه دیده»، «بزه دیده پنهان» و هم‌چنین «رابطه‌ی خاص بزه‌کار-بزه دیده» را مطرح کرد، به طوری که بزه دیده یک رکن و عنصر حیاتی در وضعیت مستعد ارتکاب جرم به ویژه در وضعیت‌های خاص محسوب می‌شود و همین تأثیر بزه دیده بر فرآیند ارتکاب جرم حقوق کیفری را نیز متأثر می‌سازد. زیرا این جنبه از جنبش بزه دیده‌شناسی قابلیت تحمیل مجازات بر بزه دیده را هم میسر می‌سازد، حتی در شرایطی که بزه دیده دست به تحریک نیز نزده باشد. (گسن، ۱۳۹۲: ۱۹۶) جرم و علت‌های وقوع آن مانند حلقه‌های متصل به یکدیگرند که بزه دیده یکی از آنهاست. در واقع بزه دیده با شتاب بخشیدن به فرآیند ارتکاب جرم، نقشی مهم در تکوین جرم می‌تواند داشته باشد، چنان که برخی بزه‌دیده‌شناسان مانند هانس فون هنتینگ، تقصیر برخی بزه‌دیدگان را از بزه‌کاران بیش‌تر می‌دانند. رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیدگان، سهل‌انگاری، بی‌احتیاطی و مراقبت نکردن آنان شیوه‌ای است که

اهمیت اوضاع و احوال ارتکاب جرم و عوامل تحریک کننده را روشن می‌سازد و ارتباط تنگ تنگ برخی جرایم با اوضاع و احوال ارتکاب آن‌ها را نشان می‌دهد. (بابایی، ۱۳۹۰: ۲۷۶)

مطالعه نقش بزه‌دیده، به عنوان یکی از کنشگران اصلی ارتکاب عمل مجرمانه می‌تواند موجب درک بهتر و تحلیل قوی‌تر فرآیند ارتکاب جرم شود و زمینه را برای اجرای عدالت و تحقق اصل فردی کردن مجازات‌ها که در مباحث تقصیر بزه‌دیده در وقوع جرم در قالب نهادهای مختلفی مانند کیفیات مخففه، تعلیق و سقوط مجازات‌ها نمایان می‌شود، فراهم کند. در مقام علت‌شناسی جرم، علاوه بر بزهکار، علل و عوامل شخصی، محیطی و وضعی باید به بزه دیده هم به عنوان عامل مؤثر در وقوع جرم توجه شود. بدین سان تقصیر بزه دیده عاملی فعال در ارتکاب جرم تلقی می‌گردد و از آن جایی که نقش و سهم بزه دیده در تکوین جرم و تعامل و ارتباط وی با بزهکار به عنوان عامل اصلی جرم انکار ناپذیر است، بزه دیده‌شناسی که شاخه‌ای از جرم‌شناسی واکنش اجتماعی است، به بررسی بزه دیده به عنوان فردی که می‌تواند با اعمال و گفتار تحریک‌آمیز خود سبب جنایت علیه خود را فراهم آورد پرداخته و در واقع از او به عنوان یک وضعیت پیش‌جنایی یا عامل محرک یاد کرده است. به عبارت دیگر، در بزه دیده شناسی علمی به طور ضمنی فرض کوتاهی یا تقصیر بزه دیده در ارتکاب جرم مطالعه می‌شود. به طوری که فوئر باخ می‌گوید: «اگر در جرایم دقت شود، بزه دیده علت و منشاء هر چیزی است که بر سر او آمده و بزه دیده خود مقصر است». (فوئر باخ، به نقل از سماواتی پیروز، ۱۳۸۵: ۸۳)

بنیامین مندلسون هم با مبنا قرار دادن سازوکارهای بدون کنش متقابل در رابطه بزهکار و بزه دیده انواع نقش‌های بزه دیده را در رابطه مجرمانه به این شرح مطرح می‌کند:

۱. بزه دیده کاملاً بی‌گناه که در شکل‌گیری بزه هیچ مشارکتی ندارد.
۲. بزه دیده‌ای که به‌نوعی در شکل‌گیری بزه مشارکت دارد که شامل بزه دیدگان نادان و کم‌اطلاع و بزه دیدگانی که تقصیر آنان هم سنگ با بزهکار است، می‌گردد. مانند کسی که در اثر بیماری علاج ناپذیر یا مشکلات دیگر تقاضا می‌کند او را از بین ببرند.
۳. بزه‌دیده‌ای که بیش از بزهکار مقصر است، مثل فرد بی‌احتیاطی که سبب بروز حادثه می‌شود یا با رفتاری تحریک‌کننده دیگران را به ارتکاب جرم وا می‌دارد.
۴. بزه‌دیده بزهکار؛ فردی که به دنبال کنشی بزهکارانه علیه دیگری به‌عنوان یک عامل محرک و تسهیل‌کننده موجبات تحقق جرم علیه خودش را فراهم می‌کند و قربانی جرم می‌شود (مانند دفاع مشروع). (سلیمی و داوری، ۱۳۹۴: ۳۲۶)

در این میان، هر چند کاربرد واژه «تقصیر» متضمن مسئولیت بوده و موضوع ضمانت اجرای حقوقی و کیفری را مطرح می‌نماید؛ لیکن بزه دیده بابت این تقصیر مشمول ضمانت اجرا نمی‌شود، بلکه این تقصیر موجب می‌شود تا مجازات بزهکار تخفیف داده شود و لذا حمایت کیفری از چنین بزه دیده‌ای کم‌تر می‌شود. در رویکرد قانون مجازات اسلامی هم تقصیر بزه دیده در ارتکاب جرم پذیرفته شده و مقنن با موثر دانستن تقصیر بزه دیده در گستره مسئولیت کیفری بزهکار، برای حمایت کم‌تر از بزه دیدگانی که با رفتار و گفتار تحریک‌آمیز یا بی‌احتیاطی خود مسئولیت مؤثر در ارتکاب جرم داشته‌اند، با الهام از دستاوردهای نوین بزه مجازات، در نظر گرفته است که دلیل آن نقش شتاب دهنده بزه دیده در ارتکاب جرم است. (جوان جعفری و شاهی‌ده، ۱۳۹۲: ۱۳۲)

در کتاب کلیات قانون مجازات اسلامی توجه آگاهانه قانون‌گذار به آموزه‌های بزه دیده شناسی علمی در جرائم تعزیری در جلوه‌های تخفیف و تبدیل مجازات برابر بند «پ» ماده ۳۸ و هم چنین در نهادهای تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم به شرح شرایط پیش بینی شده در ذیل فصل ششم از کتاب اول، به موجب مواد ۴۰ و ۴۶ قانون مجازات اسلامی به چشم می‌خورد. در برخی جرائم حدی نظیر زنا، لواط، تفریح، مساحقه و شرب مسکر، تقصیر بزه دیده نمی‌تواند بر میزان مجازات فاعل این جرائم حدی تأثیرگذار باشد، لیکن در برخی جرائم مستوجب حد مثل قذف و سرقت، بزه دیده نقش قابل توجهی در اعمال مجازات یا تغییر آن نسبت به بزهکار دارد. در توجه مقنن به تقصیر بزه دیده در رویکرد جرائم مستوجب دیه نیز تقصیر، به صورت اعمال و رفتار ناآگاهانه بزه دیده، سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی بزه دیده مطرح گردیده است که مقنن در فصل ششم کتاب دیات برابر مواد ۵۰۴، ۵۰۷ و ۵۱۱ قانون مجازات اسلامی به تقصیر بزه دیده در این جرایم توجه نموده است. هرچند در قانون مجازات اسلامی به دلیل ثابت بودن مجازات قصاص، به موضوع تقصیر بزه دیده توجه چندانی نشده و در تعیین میزان کیفر بزهکار نیز تأثیری نداشته، لیکن استثنایایی دارد. بدین ترتیب با این که قانون‌گذار، آگاهانه تأثیر تقصیر بزه دیده بر مسئولیت کیفری بزهکار را پذیرفته است، اما آن را محدود به تعزیرات کرده و در حدود، قصاص و دیات آن را به صورت جزئی و استثنایی پذیرفته است که طی مباحث آتی به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲. جلوه‌های تاثیر تقصیر بزه دیده در قانون مجازات اسلامی

بعد از تعریف و شناسایی جایگاه بزه دیده‌شناسی در علوم جنایی و اشاره به شاخه‌های آن در قسم اول مقاله، با توجه به تمرکز این نوشتار به بزه دیده‌شناسی علمی، طی مباحث این قسم به نقش و تاثیر تقصیر بزه دیده در قانون مجازات اسلامی با تکیه بر آموزه‌های بزه دیده‌شناسی علمی پرداخته می‌شود. برای این منظور، جلوه‌های تاثیر تقصیر بزه دیده از منظر دسته بندی چهارگانه ذیل ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به تفکیک مطرح گردیده است.

۲-۱. تقصیر بزه دیده در جرائم حدی

مطالعه انواع حدود و مجازات‌های جرایم مستوجب آنان در کتاب حدود قانون مجازات اسلامی نشان می‌دهد که مجازات‌های حدی ثابت هستند و دادگاه نمی‌تواند کیفیت، نوع و میزان آن را تغییر دهد. بنابراین، تأسیسات حقوقی در جهت فردی کردن مجازات در حدود چندان قابل‌طرح نیست، به این موارد می‌توان بزه دیده را هم اضافه کرد که در برخی جرائم مثل زنا، لواط، تفخیز، مساحقه و شرب مسکر که اصطلاحاً در جرم‌شناسی به آن‌ها جرائم آپارتمانی هم می‌گویند، نمی‌تواند بر میزان مجازات فاعل جرم تأثیرگذار باشد، ولی در برخی جرائم مستوجب حد مثل قذف و سرقت، بزه دیده نقش قابل توجهی در اعمال مجازات یا تغییر آن نسبت به فاعل جرم دارد که البته گاهی زنا را نیز می‌توان به این موارد افزود.

۲-۱-۱. زنا

به موجب تعریف ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن‌ها نبوده و از موارد وطی به شبهه نباشد». جرم زنا معمولاً با رضایت طرفین صورت می‌گیرد و اصولاً نمی‌توان بزه دیده‌ای را برای آن تصور نمود، بنابراین شاکی این جرم حکومت است که به نمایندگی از جامعه مرتکبان آن را به دلیل نقض اخلاق و عفت عمومی و ارتکاب این فعل حرام مورد تعقیب و مجازات قرار می‌دهد. از جمله موارد جرم زنا که در جرم‌شناسی در مباحث بزه دیده‌شناسی مورد بحث فراوان است، موضوع زنا با محارم است که در ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی نیز به آن اشاره شده و مجازات قتل برای آن در نظر گرفته شده است. از آن جا که بسیاری از اعمال زنا با محارم، با توسل به زور و عنف هستند در دسته جرائم تجاوز به عنف نیز قرار می‌گیرند. نکته شایان توجه در این مورد که مرتبط با بحث ما در مورد نقش بزه دیده در جرائم مستوجب حد است این است که در مورد تجاوز و زنا به

عنف، در مواردی قربانی جرم آگاهانه یا ناآگاهانه شرایطی را ایجاد می‌کند که زمینه قربانی شدن خویش را فراهم می‌کند که این فرد بزه دیده در واقع همان بزه دیده گناه‌کار است؛ یعنی کسی که به دنبال کنشی بزهکارانه نسبت به دیگری، خودش قربانی جرم شده است. (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۵: ۸۰) به عبارت دیگر، از جمله عوامل بزه دیدگی افراد، به‌خصوص زنان، رفتارهایی است که خطر یا فرصت بزه دیدگی را افزایش می‌دهد، مانند رفتارهای نسنجیده و وسوسه‌برانگیز بزه دیده که حاکی از دعوت یا ترغیب باشد و یا صدور علائمی از سوی بزه دیده، مانند حرکات و اشارات و حالات خاص بدنی یا قرار گرفتن او در مقابل بزهکاران است. به عقیده عبدالفتاح هرچند در این رویکرد بزه دیده صرفاً یک آماج منفعل جرم نیست تا بتوان او را طعمه‌ای در چنگال بزهکاران تصور کرد، بلکه علل جرم آن زمان مشخص خواهد شد که کنش متقابل بین بزهکار و بزه دیده و نقشی که آن دو در بروز جرم بازی می‌کنند، کاملاً تحلیل شود (به نقل از سلیمی و داوری، ۱۳۹۴: ۲۵۰) که در این نظریه نوع رفتار بزه دیده مانند رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه دیده یا شیوه پوشش، بی‌ملاحظگی و شتاب‌زدگی، وسوسه‌انگیزی، ترغیب، مساعدت یا فراهم نمودن تسهیلات (در قالب رفتارهایی مانند غفلت، بی‌دقتی، بی‌مبالاتی یا سهو که نوعی عامل مساعدکننده برای وقوع کج روی محسوب می‌شود) زمینه‌ای برای وقوع بزه، به‌عنوان ابعاد اصلی نحوه نقش‌آفرینی بزه دیده در بزه دیدگی خویش مطرح شده است. با نگاه علت‌شناسانه به عوامل بزه دیدگی زنان در زمینه جرائم جنسی می‌توان گفت که شیوه زندگی، فعالیت روزمره و نقش تأثیرگذار آنان در قالب تحریک و تشویق بزهکاران بالقوه در ارتکاب جرائم جنسی، جذابیت‌زدایی از زنان به روش‌های مختلف آسیب‌پذیری آنان را کم‌تر می‌کند.

بر اساس نظریه فعالیت روزانه^۱، زمانی بزه دیدگی احتمال بیش‌تری دارد واقع شود که سه عامل در یک‌زمان و مکان باهم جمع شوند. این سه عامل عبارت‌اند از: حضور مرتکبان بانگیزه، به وجود آمدن آماج یا افراد مناسب و نبود محافظ یا مدافع برای اهداف یا افراد یا آماج محافظت نشده (Farel & Philips, 1995: 384) این دیدگاه با آموزه‌های نظریه سبک زندگی^۲ هم تایید می‌شود. با این توضیح که رفت‌وآمد زنان در زمان‌های پرخطر یا مکان‌های خطرناک و مباشرت با مردان جوان، هنگامی که با مثلث بزهکار بانگیزه، بزه دیده بالقوه و نبود محافظ توأم باشد، امکان بزه دیدگی جنسی را بیش‌تر می‌کند. توجه به تقصیر بزه دیده را در رویکرد رویه

1. Daily Activity Theory.

2. Life Style Theory.

قضایی هم می‌توان ملاحظه نمود. به‌عنوان مثال در پرونده شماره ۴۹...۸۷، خانم «م» برای خرید گوشت مرغ به مغازه آقایان «الف» و «م» مراجعه می‌کند و به دلیل نداشتن پول، آنان به او در قبال دادن پول و مرغ پیشنهاد رابطه جنسی می‌دهند، بدین ترتیب آن‌ها وی را پشت یخچال مغازه برده و با وی رابطه جنسی برقرار می‌کنند و پس‌از آن مبلغ موردنظر خانم «م» را به وی نداده و آن خانم به اتهام تجاوز به عنف به آن‌ها شکایت می‌کند. دادگاه نیز با عنایت به تقصیر خود بزه دیده و فقدان ادله اثباتی در رابطه با زنا به عنف، متهمان را از اتهام انتسابی تبرئه نموده و فقط به دلیل زنا به عنف محض و با رضایت طرفین، هر سه نفر را به صد ضربه شلاق حدی محکوم نمود. (به نقل از شاهیده، ۱۳۹۱) نگرش بزه دیده شناسانه در این پرونده بدین‌صورت است که با توجه به این‌که برای به وجود آمدن بزه دیدگی زنان در جرائم جنسی، مواردی باید تحقق یابند. از جمله این‌که بزه‌کار و بزه دیده باید موقعیت برخورد با یکدیگر در زمان و مکان را دارا باشند. بزه‌کار، بزه دیده را موضوعی مناسب برای بزه دیده شدن بنگرد؛ مانند این پرونده که خانم «م» به دلیل نیاز مالی از نظر آقایان «الف» و «م» آماج مناسب برای ارتکاب جرم بوده است. بزه‌کار باید تمایل و توانایی و به‌کارگیری زور و تهدید برای دستیابی به هدف موردنظر را داشته باشد که در این پرونده آقایان «الف» و «م» پشت مغازه مکان مناسبی برای ارتکاب جرم توسط آن‌ها بوده است و تمایل زیادی برای دستیابی به هدفشان داشته‌اند. به‌عبارت‌دیگر، در این پرونده متهمان با توجه به فراهم نمودن شرایط ارتکاب جرم، پس از رابطه جنسی با تهدید، حتی مبلغ موردنظر را به خانم «م» را به وی نداده‌اند. بنابراین در خصوص بزه دیدگی زنان در حوزه جرائم جنسی با افزایش نظارت‌های رسمی، آگاهی‌رسانی به مردم در جهت انجام نظارت‌های غیررسمی و استفاده از روش‌های پیشگیری وضعی از جرم تلاش خود را در کم کردن بزه دیدگی زنان در جرائم جنسی به‌کارگیرند. به دنبال مطالعات بزه دیده شناختی، به‌طور ضمنی می‌توان این اندیشه را مطرح کرد که در جرم تجاوز به عنف، چه‌بسا خود بزه دیده در تحمل جرم به‌نوعی مرتکب کوتاهی یا تقصیر شده باشد، بنابراین بزه دیدگان تجاوز به عنف همیشه بی‌گناه و منفعل نیستند و اغلب با رفتارهایی که از طرف مجرمان به‌اشتباه به‌عنوان دعوت یا فرصت تعبیر می‌شود، تجاوز به خودشان را شتاب می‌بخشند. به اعتقاد هنتیگ، در برخی موارد روشن نیست که چه کسی در یک واقعه مجرمانه فاعل و چه کسی مفعول است و در برخی موارد نیز بزه دیده نهایی ممکن است عملی را که منجر به بزه دیدگی او شده را تسهیل کرده و بر آن تأثیرگذار باشد؛ مثلاً بزه دیده با گفتار خود، بزه‌کار یا قربانی کننده را در ارتکاب جرم تحریک نموده باشد. (ویلیامز، ۱۳۸۴: ۴۰۸) بنابراین در بررسی

چگونگی تکوین اوضاع منجر به ارتکاب جرائم جنسی، با زنان بزه دیده‌ای روبه‌رو خواهیم شد که به‌طور ضمنی در ارتکاب جرم رضایت داشته، همکاری کرده و یا مرتکب را تشویق و تحریک کرده‌اند.

پرونده شماره ۵۸ ... ۸۷ به عنوان یکی از آرای صادره از دادگاه‌های کیفری استان خراسان رضوی، بر پایه آموزه‌های نظریه شتاب‌دهندگی بزه دیده قابل تحلیل است. در این پرونده خانم «ش» در سال ۱۳۸۵ پس از خروج از منزل با پوششی نامناسب با آقای «ک» آشنا شده و شب را تا صبح در منزل خواهر آقای «ک» می‌گذرانند و باهم نزدیکی نیز می‌کنند. صبح روز بعد آقای «ه» وی را از منزل آقای «ک» سوار خودرو کرده، اما چون وی را شناخته است او را رها می‌کند. سپس خانم «ش» سوار بر موتور آقای «الف» می‌شود، اما نامبرده نیز از روی ترس در خیابان از وی جدا می‌شود. در این مرحله خانم «ش» با خودروی آقای «خ» و به همراه آقای «الف» به باغ مخروبه‌ای رفته و آنان نیز با وی زنا می‌کنند و سپس خانم «ش» به خانه برمی‌گردد و با شکایت از متهمان، مدعی تجاوز به عنف می‌شود. دادگاه کیفری استان نیز آنان را به دلیل تجاوز به عنف به اعدام محکوم می‌کند. اما با تجدید نظرخواهی و رسیدگی در دیوان عالی کشور، رسیدگی مجدد در شعبه هم‌عرض صورت می‌گیرد. همراهی خانم «ش» با جوانان مجرد و حضور وی در مکان‌های خلوت مانند باغ، نشان‌دهنده رضایت و رغبت وی نیز می‌باشد. همچنین خانم «ش» به دلیل اختلافات خانوادگی از منزل فرار نموده و در این مسیر برای ارضای تمایلات جنسی و عاطفی خویش با هر فرد سر راه قرار گرفته همراه شده است. اگر خانم «ش» برای ارضای تمایلات خویش و یا حتی پس از مشاهده اختلافات اعضای خانواده، راه‌حل دیگری انتخاب می‌کرد و به‌جای فرار از منزل و سوارشدن بر خودروهای افراد جوان و رفتن به منزل آنان، با احتیاط و مراقبت از خود موجب ارتکاب این جرائم نمی‌شد. در این پرونده هرچند متهمان در واقع به وی تجاوز کرده و او بزه دیده تجاوز به عنف بوده است، اما در نهایت دادگاه کیفری استان با توجه به تقصیر خود بزه دیده و عدم دلایل کافی در مورد تجاوز به عنف، با استناد به اصل ۳۷ قانون اساسی، حکم برائت آنان را از تجاوز به عنف صادر نمود، اما از آنجا که بارها صریحاً اقرار به زنا با خانم «ش» کرده‌اند هر یک از آنان را به صد ضربه شلاق به‌عنوان حد زنا محکوم نمود. نظریه شتاب‌دهندگی به‌طور غیرمستقیم اشاره به تقصیر زنان بزه دیده در فرایند بزه دیدگی خویش دارد که تجلی اصلی آن را می‌توان در آموزه‌های اولیه بزه دیده‌شناسی مشاهده نمود. در این نظریه میان بزه دیده و بزه‌کار تعامل و پویایی وجود دارد (مانند خانم «ش» که با افراد زیاد رابطه داشته در مسیر خود هر فردی که بر سر راه وی قرار

می‌گرفته است را همراهی کرده است) که از منظر مسائل مربوط به علت شناسی جرم و نقش بزه دیده در ارتکاب جرم قابل بررسی است. البته هر چند همیشه همراهی به معنای رضایت بر رابطه جنسی نیست، ولی در مواردی نیز فرد از روی غفلت و نا آگاهی فرصت ارتکاب جرم را برای بزهکاران بالقوه فراهم می‌کند. چرا که مبنای تقصیر بزه دیده همیشه بر اساس آگاهی نبوده و فرد ممکن است بر اساس بی‌احتیاطی، مسامحه و غفلت تقصیر نموده باشد که این رفتارها از طرف مجرمان به اشتباه به عنوان دعوت یا فرصت تعبیر شده و به ارتکاب جرم شتاب می‌بخشد. در این پرونده خانم «ش» به‌عنوان یکی از طرفین عمل مجرمانه با انجام اعمال تسهیل‌کننده مانند تحریک و سوسه و رفتار و گفتار تحریک‌آمیز و اغوای بزهکاران بالقوه نقش مؤثری در تکوین جرم داشته و باعث تسریع فرآیند گذر از اندیشه به عمل مجرمانه شده است. همچنین شیوه زندگی و رفت‌وآمد در مکان‌هایی که انحراف و رفتارهای مجرمانه در آن رواج دارد، در این پرونده مشاهده می‌شود به طوری که خانم «ش» با فرار از منزل به منظور ارضای نیازهای جنسی با افراد مختلف در منزل آن‌ها و مکان‌های مخروبه رابطه جنسی برقرار می‌کند و از سوی دیگر، پوشش نامناسب و حرکات تحریک‌آمیز خانم «ش» و ارتباط نامتعارف با مردان و همراهی کردن با آنان در نهایت بی‌احتیاطی، فرصت ارتکاب جرم را برای بزهکاران فراهم کرده و خود را در معرض بزه دیدگی قرار داده است. در این پرونده، اگر تحریک را اماره رضایت بدانیم، قضات پرونده به تحریک شدن بزهکاران بالقوه توسط او در وقوع تجاوز جنسی توجه نموده و با توجه به نبود دلایل کافی در مورد اتهام تجاوز به عنف، حکم به برائت داده‌اند، زیرا اعمال و رفتار او نوعی رضایت به ارتکاب جرم دانسته‌اند.

در نظریه شتاب دهندگی فعال¹، گاهی زنان ممکن است با نیت قربانی شدن آگاهانه به عمل مجرمانه کمک کنند و خود را در موقعیت‌هایی قرار دهند که زمینه اصلی وقوع جرم را فراهم می‌کنند. در این راستا می‌توان به پرونده‌ای اشاره نمود که در آن زن به دلیل تحریک بزهکار بالقوه، زمینه وقوع جرم و تجاوز به عنف را علیه خود فراهم کرده است. در این پرونده، جنازه زن جوانی که منزلش روبه روی ساختمان نیمه‌کاره‌ای که در حال ساخت بود قرار داشت و پس از تجاوز به قتل رسیده بود، توسط پلیس کشف شد و تحقیقات گسترده منجر به دستگیری یک نفر شد. او ضمن اعتراف به ارتکاب تجاوز و قتل، در خصوص انگیزه قتل اظهار داشت که وی مدتی قبل در همان ساختمان نیمه‌کاره مشغول به کار بوده و در اثر تردد مکرر

¹. Active Accelerator Theory.

آن زن به حیاط منزل به صورت نیمه عریان تحریک شده است و در یک فرصت مناسب به قصد تجاوز وارد منزل گردیده و در نهایت به خاطر شکستن مقاومت وی، او را در حین تجاوز به قتل رسانده است. در این مورد تردد نیمه عریان زن در حیاط منزلش در حالی که از دیده شدن خودش توسط مردان غریبه مطلع بوده است، سبب تحریک جنسی بزهکار و تسهیل در وقوع جرم تجاوز به عنف منجر به قتل گردیده است. (پرویزی، ۱۳۷۹: ۱۸۴) بدین ترتیب بزه دیدگانی که نقش شتاب‌دهنده در وقوع جرم دارند در محاکم کیفری مورد حمایت کم‌تری قرار می‌گیرند و این امر در رویه قضایی به شکل تخفیف مجازات بزهکار نمایان می‌شود.

در نهایت می‌توان اذعان کرد که در جرائم جنسی، زنان غالباً به‌عنوان یکی از طرفین عمل مجرمانه با انجام اعمال تسهیل‌کننده مانند تحریک، وسوسه و اغوای مردان و یا با سبک زندگی و فعالیت روزانه بزه دیده زا نقش مؤثری در تکوین جرم دارند و باعث تسریع فرایند گذر از اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه می‌گردند که البته این تأثیرگذاری می‌تواند آگاهانه و یا ناآگاهانه باشد. بر اساس مصاحبه‌های انجام شده با زنان تهرانی هم نوع رفتار و کنش اجتماعی زنان نظیر پوشش و سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی بعضی زنان، زمینه‌های جلب توجه و وسوسه بزهکاران را برانگیخته و آنان را نسبت به رفتارهای مجرمانه ترغیب نموده و فرصت بزهکاری را فراهم می‌نماید. (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۰: ۶۱) از همین رو زنانی که با حرکات و رفتار خود به غلط یا از روی غفلت، فرصت ارتکاب جرم را برای بزهکاران فراهم می‌کنند، از دیدگاه رویکرد سرزنش بزه دیدگان شایسته حمایت کم‌تری هستند، افزایش کنترل‌های رسمی و غیررسمی در جامعه، شناسایی زنانی که در معرض خطر بزه دیدگی قرار دارند و آموزش روش‌های دفاع شخصی به آنان، اعمال محدودیت در رفت و آمدهای شبانه و یا تردد در مکان‌هایی که امکان بزه دیدگی را افزایش می‌دهد، نقش مهمی در پیشگیری از بزه دیدگی جنسی زنان دارد. (شاهیده و جوان جعفری، ۱۳۹۳: ۱۳) هم‌چنین، اگر افراد بزه دیده در این موقعیت‌ها به مدیریت خویشتن بپردازند و به‌طور همیشگی و معمولی ظاهر شوند و از این طریق بر ذهنیت مجرم بالقوه نسبت به خود تأثیر بگذارند، احتمال این‌که بزهکار مرتکب چنین عملی شود بسیار کم‌تر خواهد بود. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که موضع‌گیری در موضوع نقش زنان بر بزه دیدگی خود فقط با مطالعات علمی تبیین نمی‌شود و هم‌چنان عرصه مناقشه‌های عقیدتی و ایدئولوژیک است. با وجود این با توجه به یافته‌های علمی و بر اساس نوع مصلحت اندیشی علمی می‌توان انتظار داشت که تا تغییر ساختارهای فرهنگی مرد سالارانه و نهادینه شدن حق کرامت و امنیت انسان، وضع و اجرای موثر قوانین مربوط به مجازات ناقضان

این حق، پوشیدگی زنان باعث می شود آنان کم تر در معرض آسیب های جنسی قرار گیرند. این موضوع تا حدودی در رویه قضایی محاکم قابل مشاهده است، هرچند شاید دیدگاه های بزه دیده شناسی علمی به صورت آگاهانه و علمی در دادگاه ها اعمال نمی شود. از این رو بزه دیده شناسی علمی در این راستا در پی این است که تا با به اثبات رساندن این واقعیت که بزه دیده خودش در وقوع و تکوین جرم نقش دارد، از جهتی در حدود تعیین مجازات متناسب برای بزه کار و کاهش نقش بزه دیده در ایجاد موقعیت های خطر آفرین گام بردارد. لیکن از آن جا که اصولاً زنا بر مبنای اراده و رضایت طرفین صورت می پذیرد، بنابراین نمی توان این عمل را چندان از جنبه بزه دیده شناسی مورد تحقیق و بررسی قرارداد.

۲-۱-۲. قذف

مطابق ماده ۲۴۵ قانون مجازات اسلامی، «قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هرچند مرده باشد». قذف در واقع نوعی توهین است که باعث صدمه به حیثیت بزه دیده می شود و مطابق با قانون حق دارد به واسطه چنین نسبت دروغی که قاذف به او داده است، نزد مقام های قضایی شکایت کرده و درخواست مجازات او را داشته باشد.

بر پایه آموزه های بزه دیده شناسی علمی، در جرم قذف نیز گاهی خود بزه دیده در تکوین جرم یا مهیا کردن مقدمات ارتکاب جرم، مستقیم یا غیرمستقیم موثرست و مانند مورد بند «پ» ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی در مورد اعمال تخفیف دادگاه نسبت به متهم، رفتار و گفتار تحریک آمیز در بزه دیده باعث تخفیف مجازات می شود. در واقع در این وضعیت، خود بزه دیده با تظاهر به عمل منتسبه، قبح عمل فاعل و مبنای هتک حیثیت را از آن فعل برداشته است، به همین دلیل حق شکایت و درخواست مجازات فاعل (اجرای حد) را نخواهد داشت و دعوی او از این جهت مسموع نیست. بند «ث» ماده ۲۶۱ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن مقرر می دارد: «در موارد زیر حد قذف در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی و اجرا ساقط می شود ... ث: هرگاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند خواه قذف آن ها همانند خواه مختلف باشد. تبصره: مجازات مرتکبان در بند (ث)، ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶ است». همان طور که در ماده ملاحظه می شود بند «ث» و تبصره این ماده می تواند مصداقی از موضوع تحریک بزه دیده باشد که مقنن قذف طرفینی (قذف غیر ارتجالی) را باعث سقوط حد دانسته است. علت این امر نیز تحریک و تهییجی است که بر اثر قذف از طرف یکی از قذف کنندگان در

دیگری ایجاد می‌شود و همین حالت روحی و تحریکبه‌عنوان عامل مخففه ای باعث تبدیل حد به تعزیر می‌گردد.

البته اعمال کیفیات مخففه در جرائم مستوجب قصاص و حد دارای اشکال است. چراکه موضوع مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی مجازات‌های تعزیری است، بنابراین برای مورد توجه قرار دادن نقش تحریک از طرف بزه دیده بهتر بود بند «ث» ماده مذکور بدین صورت تنظیم می‌شد که هر کس بدو شروع به قذف نماید به حد قذف و شخصی که متقابلاً اقدام به قذف کند، به تعزیر محکوم می‌گردد. (مدنی، ۱۳۹۷) و یا مثلاً در این زمینه می‌توان به بزه دیده‌ای اشاره کرد که با انجام کاری به صورت منطقی، شبهه زنا یا لواط در خصوص او ایجاد شود و فردی به این جهت او را قذف کند و بزه دیده پاسخ او را بدهد که به مجازات ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شوند.

۲-۱-۳. سرقت

برابر ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی، «سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است». با ارتکاب این جرم مال‌باخته می‌تواند به‌عنوان بزه دیده با شکایت از سارق اجرای مجازات حد را که مطابق با ماده ۲۶۸ تعیین شده است، را درخواست نماید. بر پایه آموزه‌های بزه دیده شناسی علمی ناظر بر سرقت می‌توان اذعان داشت که در مواردی خود بزه دیده با ایجاد موقعیت‌ها و شرایطی باعث می‌شود که بزهکار به‌سوی ارتکاب جرم تحریک‌شده یا ارتکاب جرم سهل و آسان به نظر برسد. از این رو در صورتی که بزه دیده (صاحب‌مال) مال مورد سرقت را در یک محل متناسب نگهداری و محافظت نکند، یکی از شرایط اساسی اجرای حد سرقت وجود نخواهد داشت، بنابراین در صورتی که خود صاحب‌مال با کوتاهی خود مال مورد نظر را در محلی قرار دهد که از نظر عرف محل مناسبی برای نگهداری چنین مال با ارزشی محسوب نشود، در صورتی که به‌واسطه سرقت مال مذکور به‌عنوان بزه دیده و مال‌باخته بخواهد از بزهکار نزد مقام‌های قضایی شکایت کند، به‌هیچ‌عنوان سرقت مال وی از نوع سرقت حدی نخواهد بود و تبدیل به سرقت تعزیری خواهد شد. (یزدانی، ۱۳۹۳: ۵۶) هم‌چنین این نکته را نیز باید مدنظر داشت که خود بزه دیده مال را در حرز قرار داده باشد، لذا اگر مالی به هر نحو بدون اطلاع مالک و بزه دیده در حرز قرار گیرد؛ مثلاً کسی مال دیگری را بدزدد و درجایی پنهان کند که بعداً از آن استفاده کند و فرد دیگری مال مذکور را که در حرز قرار گرفته است سرقت کند در این جا با این‌که سرقت از حرز صورت گرفته است، اما حدی بر آن نیست زیرا که مالک برای حفظ از دستبرد،

مالش را در حرز قرار نداده است. پس ملاحظه می‌شود که سرقت در صورتی حدی است که بزه دیده یک سلسله اصول را مراعات کرده باشد و در حقیقت نقش بزه دیده در جرائم حدی در تغییر ماهیت عنوان مجرمانه نقش داشته و سرقت حدی را به تعزیری تبدیل می‌کند و به تبع آن مجازات بزهکار هم به جهت تقصیر خود بزه دیده کاهش می‌یابد.

نکته دیگری که با تأثر از آموزه‌های بزه دیده‌شناسی علمی مدنظر قرار گرفته است و در واقع نشان‌دهنده نقش بزه دیده در ارتکاب جرم بوده و باعث تخفیف مجازات بزهکار می‌شود، مورد مذکور در ماده ۲۷۰ قانون مجازات اسلامی است که در آن چنین مقرر شده است: «در صورتی که مکان نگهداری مال از کسی غصب شده باشد، نسبت به وی و کسانی که از طرف او حق دسترسی به آن مکان را دارند، حرز محسوب نمی‌شود». در این ماده اگر سرقتی از طرف مالک اصلی یا نماینده او صورت گیرد؛ عمل مالک یا نماینده او جرم محسوب نشده و مشمول سرقت حدی نیست، اکثر فقها نیز سقوط حد در این حالت را به قاعده درأ مستند کرده‌اند. (زرعت، ۱۳۹۴: ۳۷۱)

بنابراین در خصوص تأثیر تقصیر بزه دیده در جرائم مستوجب حد می‌توان اذعان داشت که قانون‌گذار بیش‌تر رویکرد جامعه‌مدار را به دلیل مقدم شمردن حق‌الله بر حق‌الناس مورد توجه قرار داده و بدون در نظر گرفتن نقش بزه دیده در وقوع جرم، در راستای کیفی‌دهی به بزهکاران گام برداشته است، (حسینی کوهساری، ۱۳۹۰) مگر در برخی جرائم که شناسایی رفتارهای تقصیر آمیز بزه دیده را عاملی در عدم تحقق عنوان مجرمانه حدی دانسته و با تغییر جرم حدی به تعزیری، مسئولیت کیفری بزهکار نیز کاهش یافته و قانون‌گذار در این زمینه به نوعی از یافته‌های بزه دیده‌شناسی علمی بهره برده است.

۲-۲. تقصیر بزه‌دیده در جرائم مستوجب قصاص

از دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی علمی ممکن است بزه‌دیده، تقصیر یا نقشی تحریک‌آمیز در ارتکاب جرائم مستوجب قصاص داشته باشد. هرچند در قانون مجازات اسلامی به دلیل ثابت بودن این مجازات به این موضوع توجه چندانی نشده و در تعیین میزان کیفر نیز تأثیری نداشته، لیکن استثناهایی دارد که به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص از جمله جرائم خشونت‌آمیز است که در مواردی ممکن است بزه دیده این جرم نقش مؤثری در ارتکاب جرائم مستوجب قصاص داشته باشد؛ به طوری که می‌توان گفت میان بزه دیده‌شناسی نخستین و جرائم مستوجب قصاص پیوندی

حقوقی و جرم‌شناسی ایجاد شده است. چراکه بزه دیدگان ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه نقش مسبب را بازی کنند. در جنایات مستوجب قصاص، آموزه‌های بزه دیده شناسی علمی را می‌توان در رابطه بزهکار و بزه دیده، وضعیت روانی بزه دیده، دفاع مشروع و ... در ارتکاب جرم و تأثیر سایر عوامل بالقوه در وقوع بزه دیدگی مشاهده نمود. در راستای نقش بزه دیده در ارتکاب جرائم علیه تمامیت جسمانی می‌توان گفت که بزه دیده می‌تواند یک نقش انگیزشی یا کاربردی (تحریک، تسبیب و مشارکت) داشته باشد. (عبدالفتاح، ۱۳۷۸: ۱۱۵) به عبارت دیگر، یافته‌های پژوهش در قلمرو بزه دیده شناسی علمی نشان می‌دهد که ارتباط میان بزه دیده و بزهکار مسئله‌ای است که در ایجاد وضعیت پیش جنایی نقش مهمی دارد و انتخاب فرد بزه دیده از طرف بزهکار تا اندازه‌ای ناشی از رابطه قبلی بین آنان است. (بابایی، ۱۳۹۰: ۲۷۸) از این رو بزه دیده خودآگاه یا ناخودآگاه از طریق وسوسه، تحریک، ترغیب و ... موجب تسریع فرآیند گذر از اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه بزهکاران بالقوه می‌شود. درباره ارتباط نظریه شتاب دهندگی با تحریک باید گفت که این دو اصطلاحاتی مشابه و درعین حال متمایزند، به طوری که می‌توان گفت شتاب دهندگی عمل بزه دیده اصطلاح جامعه‌شناختی است که به اعمال شخص بزه دیده اشاره دارد که بزهکار را برای ارتکاب جرم برمی‌انگیزد، اما تحریک توسط بزه دیده اصطلاح حقوقی است که دادگاه‌های کیفری به کار می‌برند و به طور کلی، به میزان مسئولیت کیفری بزه دیده به دلیل تحریک بزهکار اشاره دارد. (Wolfgang, 1993: 167-183) به عنوان نمونه استثناء در زمینه توجه به تقصیر بزه دیده در حقوق کیفری ایران می‌توان به وضعیت روانی بزه دیدگان، دفاع مشروع و همچنین بررسی بزه دیده شناسی علمی جرم قتل عمد از دیدگاه قاعده فقهی «اقدام» در ماده ۲۶۰ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد.

بعضی از افراد که از بیماری روانی رنج می‌برند، دارای ویژگی آسیب‌پذیری شدیدی هستند و ضعف و ناتوانی آن‌ها در بروز بزه دیدگی آن‌ها نقش عمده‌ای دارد. در واقع این دسته از افراد را می‌توان در گروه بزه‌دیدگان ناتوان قرارداد که به دلیل از دست دادن توانایی انجام امور یا داشتن یک بیماری یا نارسایی بدنی یا روانی آسیب‌پذیر، در نهایت بزه دیده می‌شوند. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۱۷) در حالت کلی عده‌ای از بزه دیدگان مادرزاد وجود دارند که آمادگی ناخودآگاه و استعداد قبلی برای بزه دیده شدن دارند و به همین جهت توجه بزهکاران را به خود جلب می‌کنند. افراد مازوشیست یا خود تنبیه کن که دشمنان سرسخت خود به حساب می‌آیند که با رضایت ناخودآگاه خود زمینه بزه دیدگی خویش را فراهم می‌سازند. این گروه خود سه دسته‌اند: آزار طلب واقعی و آزارگر با تقصیر که پرخاشگری دیگران را نسبت به خود

جهت‌گیری می‌کنند. گروه دوم نیز مبتلابه سندروم هابیل بوده و به‌نوعی احساس تقصیر و گناه دارند و مبتلابه مالیخولیا و افسردگی شدید می‌باشند. ساختار روانی این بیماران به‌گونه‌ای است که خود محرک اصلی جرم بوده و به صدمه‌هایی که از طرف مجرم به آنان وارد می‌شود شدیداً نیاز دارند. (یزدانی، ۱۳۹۳: ۲۰-۱۹) در قانون مجازات اسلامی، ماده ۳۰۱ یکی از شرایط ثبوت قصاص را عقل بزه‌دیده دانسته است و ماده ۳۰۵ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر داشته «مرتکب جنایت عمدی نسبت به مجنون، علاوه بر پرداخت دیه به تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می‌شود». با توجه به این‌که بزه دیدگان روانی استعداد قبلی برای بزه دیدگی دارند، می‌توانند عامل مؤثری بر وقوع جرم قتل و تحریک بزه‌کاران باشند و بزه دیده شدن خود را تسریع کنند، بنابراین در این مواد قانونی قانون‌گذار خصوصیت روانی بزه دیده را مدنظر قرار داده و با عدم حمایت از بزه دیده‌ای که بیماری روانی دارد، آن را سبب کاهش مجازات بزه‌کار دانسته است. با این وجود توجه بیش‌تر به بزه دیدگان روانی و نقش آنان در ارتکاب جرم و این‌که به‌هرحال یک فرد روانی امکان دفاع و محافظت از خویش را ندارد، امری ضروری است. یکی از مصادیق بارز پیشگیری از جرائم مسبوق به رفتار و کردار بزه دیده یا متأثر از آن و حتی مرتبط با آن، دفاع مشروع است که مصداق‌ها و نمودهایش در حقوق کیفری ایران هم وجود دارد. مطابق ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی، قانون‌گذار در بحث دفاع مشروع، تهاجم غیرقانونی (تقصیر) بزه دیده‌نهایی (در برابر حمله به جان یا مال) تمسک به دفاع مشروع را برای مرتکب تجویز می‌کند که در برابر تهاجم فعلی یا ترس از صدمه قریب‌الوقوع، بزه دیده مهاجم از خودش دفاع کند و در این راستا می‌تواند از بالاترین حد نیرو یعنی نیروی مرگ‌آور هم در فرض وجود سایر شرایط استفاده کند. زیرا از انجام هر عملی که جرم باشد در این ماده سخن رفته است. در توجیه پیشگیری و دفاع مشروع، همانند قتل مبنی بر رفتار بزه دیده می‌توان از نوعی فرایند تحقیر شدن مدافع سخن گفت که تبدیل به یک مجرم می‌شود. در مسئله دفاع مشروع و پیشگیری علاوه بر فرایند تحقیر، ترس و مانند آن نیز وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر، وحشت‌زدگی و غافل‌گیر شدن عناصری هستند که در اقدام به دفاع مشروع به‌عنوان یک شیوه خاص و منحصربه‌فرد پیشگیری بزه دیده مدار باید مورد ملاحظه گردد. با جمع شرایط قانونی دفاع مشروع، فرد مدافع مسئول و مقصر تلقی نخواهد شد. زیرا بر اساس تئوری‌های توجه به نقش بزه دیده در ارتکاب جرم علیه خود، این بزه دیده بوده که با تهاجم اولیه زمینه وقوع جرم علیه خویش را فراهم نموده است؛ لذا بزه دیده مقصر تلقی می‌شود و بزه‌کار در این وضعیت اقدامی جز دفاع از خود انجام نداده است. در حقوق کیفری ایران، به دلیل ثابت بودن مجازات

قصاص، قضات دادگاه‌ها به موضوع تحریک در این دسته از مجازات توجه چندانی نمی‌کنند. چراکه در نظر گرفتن تحریک، مستلزم تبدیل یا تخفیف مجازات خواهد شد، درحالی‌که در قانون مجازات اسلامی اختیاری برای قضات در تغییر میزان کیفر جرائم مستوجب قصاص داده نشده است. فقط در موارد اندکی قضات علاوه بر این‌که نقش بزه دیده را در ارتکاب جرم مؤثر دانسته و در مرحله کیفر نیز با غیر عمد خواندن این دسته از جرائم، به تحریک بزه دیده توجه کرده است. به‌عنوان مثال برابر محتویات پرونده شماره ۱۰۰۰-۸۳، سه نوجوان بهنام‌های محمد، مجید و غلام‌رضا ضمن توافق قبلی اقدام به خرید مشروبات الکلی کرده محدود ساعت پنج‌تا شش عصر روز واقعه به یکی از باغ‌های حوالی روستا رفته و شرب خمر نمودند، سپس به‌طور اتفاقی آقای علیرضا در محل حاضر و پس از دقایقی محل را ترک می‌کند و در بدو جریان چاقوی متعلق به مجید پس از استفاده و برش کالباس در اختیار محمد قرار گرفته و به وی مسترد نمی‌گردد. پس از شرب خمر مقتول (محمد) با پیچیدن زنجیر خود به دوردست با اشاره به مجید اظهار می‌دارد می‌خواهم با تو لواط کنم و شب را هر سه این جا می‌مانیم و در پاسخ به سؤال آقای غلام‌رضا... مبنی بر این‌که چرا این جا باشیم، اظهار نموده خودت می‌دانی چه می‌شود من می‌خواهم مجید را (عین لفظ در پرونده منعکس است)، در ادامه ماجرا و در حین قدم زدن در محوطه باغ مقتول به آقای غلام‌رضا پیشنهاد می‌کند تو برو به تو مربوط نمی‌شود و آقای غلام‌رضا از مجید و مقتول دور شده و سپس برگشته اظهار می‌دارد امشب با شما بودم من هم جای شما می‌مانم، مجدداً وسط راه باغ مجید... و محمد گلاویز شده، مجید اظهار می‌دارد من می‌خواهم بروم روستا عروسی، غلام‌رضا... پیشنهاد می‌کند آشتی کنید تا برویم، محمد در ادامه اظهار می‌دارد برویم تا قله کوه و برگردیم. مجید پیشنهاد محمد را نمی‌پذیرد و اصرار می‌کند برگردیم، مجدداً محمد ... اظهار می‌دارد این جا آخر خط است و با یکدیگر درگیر می‌شوند. با دخالت غلام‌رضا ... محمد به وی فحاشی می‌کند و می‌گوید به تو مربوط نمی‌شود که با وساطت غلام‌رضا موضوع موقتاً خاتمه می‌یابد. اما پس از چند دقیقه دوباره مقتول ... زنجیر خود را به گردن آقای مجید انداخته و فشار می‌دهد که با مقاومت مجید روبه‌رو شده و آقای غلام‌رضا آنان را جدا می‌کند، آقای محمد با زدن زنجیر به دست غلام‌رضا و فحاشی به وی اصرار نموده که محل را ترک کند که مشارالیه محل را ترک و پس از پیمودن چند قدم مجید صدا می‌زند که من با چاقو زدم توی صورت محمد... (در این لحظه هوا تاریک بوده) که با برگشت غلام‌رضا به محل اولیه با مشاهده خون‌آلود بودن دستان و صورت مجید مواجه شده و مجید در حال گریه کردن بوده است و محمد... در محل فوت می‌کند. در این پرونده چاقو قبل

از درگیری نهایی در ید متهم قرار گرفته و آقای «غلامرضا» نیز اظهار داشته من چاقو را در دست «مجید» دیدم و دست و صورت و لباسش از جلو سینه خونی بود که به اعتقاد دادگاه با اوضاع و احوال قضیه مطابق بوده است و دلالت بر ایراد ضرب از ناحیه متهم دارد، با توجه به تناقض گویی‌های متهم در مراحل رسیدگی مبنی بر این که چاقو دست «محمد» بود و خودش را روی من انداخته بود که فهمیدم دستانم گرم شد و نفهمیدم چه گونه به او خورده است و سپس در جلسات بعدی اظهار می‌دارد او مرا از پشت گرفته بود و غلت خوردیم افتادیم پایین، سرم خورد به کلوخ‌های کف جوب و به حالت بدی کف جوب پخش شدم، بعد که بلند شدم دیدم «محمد» روی دست آقای «غلامرضا» است. در حالی که قبلاً گفته بود آقای «غلامرضا» به اصرار «محمد» محل را قبلاً ترک کرده بود. دادگاه بدوی با بیان این که دفاع متهم و وکیلش مبنی بر دفاع مشروع در مقابل انجام عمل منافی عفت (خطر قریب‌الوقوع) بلاوجه بوده و با عنایت به اظهارات شاهد در ابتدا بزهکاری را محرز دانسته و متهم را با استناد به ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ به قصاص نفس محکوم کرده است. اما در مرحله تجدیدنظر، دادگاه با توجه به استناد وکیل متهم به دفاع مشروع و اظهارات متهم در تمام مراحل تحقیق و رسیدگی و نظر به اوضاع و احوال و شرایط زمانی و مکانی که مرتکب تحت آن شرایط اقدام نموده و همچنین اثبات این امر که مهاجم صریحاً نیت خود را قبل از درگیری و واقعه بارها اظهار نموده و با رفتار تهدیدآمیز سعی در خلوت کردن محل داشته، طوری که دوباره آقای «غلامرضا» را تهدید به ترک محل کرده است و او در نهایت محل را ترک کرده است و از طرفی اصرار بر اقامت شبانه در باغ با آقای «مجید» داشته است و مقاومت متهم به منظور ترک محل و انصراف مقتول از نیت وی مؤثر واقع نشده و صورت جلسه معاینه جسد و اظهارات پدر متوفی در محضر دادگاه نیز دلالت بر ضعف بنیه جسمانی متهم در قبال متوفی داشته است و به اعتقاد دادگاه خطر ارتکاب لواط به عنف قریب‌الوقوع بوده و در عین حال دسترسی به قوای عمومی و مؤثر واقع نشدن نصایح و دخالت‌های آقای «غلامرضا» و در عین حال عدم تناسب جسمانی مهاجم و متهم استفاده از چاقو از ناحیه متهم تنها وسیله مؤثر جهت دفاع و انصراف مهاجم از ارتکاب فعل غیرمشروع و غیرقانونی بوده واز آنجا که رفع خطر بدون ارتکاب جرم میسر نبوده، بنابراین دفاعیات وکیل متهم مبنی بر دفاع مشروع را موجه دانسته و عمل ارتکابی را منطبق با مقررات مربوط به دفاع مشروع تشخیص و مستنداً به ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، متهم آقای «الف» را معاف از مجازات (قصاص) دانسته و رای بر برائت نامبرده صادر و اعلام می‌نماید و در مورد شرب خمر نیز با توجه به اقرار صریح متهم و احراز عدم اکراه، دادگاه وقوع

بزه را محرز دانسته و نامبرده را به تحمل هشتاد ضربه شلاق محکوم می‌کند. (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷) این پرونده را می‌توان در قالب نقش و ارتباط قبلی بزه دیده و بزهکار در ارتکاب جرم بررسی کرد. نتایج پژوهشی نشان می‌دهد که ارتباط میان بزه دیده و بزهکار مسئله‌ای مهم است و بزه دیده به‌عنوان یکی از ارکان وضعیت پیش جنایی است که در مسیر تکوین جرم نقشی مؤثر ایفاء می‌کند. (توجهی، ۱۳۷۷: ۲۸۶) به تعبیر برخی نیز بزه دیده قتل (مقتول) یک شیء منفعل و بی‌حرکت نیست، بلکه رکنی فعال در فرآیند ارتکاب قتل است. (نجفی ابرندآبادی، ۸۷-۱۳۸۶: ۵۳-۵۲) در این پرونده، ارتباط قبلی و دوستی آقای «محمد» و «مجید» نقش مهمی در ایجاد وضعیت پیش جنایی جرم تجاوز که موجب بزه دیده شدن و قتل آقای «محمد» داشته است. هم‌چنین آقای «محمد» آگاهانه با تحریک و برانگیختگی آقای «مجید» و تسریع فرایند گذر از اندیشه به عمل مجرمانه قتل شده است. مقتول با حرف‌های تحریک‌آمیز و درخواست نامشروع عمل خلاف عفت و با استفاده از چاقو به او حمله می‌کند و متهم نیز به‌ناچار جهت دفاع از خود برای جلوگیری از قتل و تجاوز، وی را به قتل می‌رساند که قضات محترم تجدیدنظر نیز به موضوع تحریک و دفاع مشروع توجه کرده و متهم را از ارتکاب قتل مبرا دانسته‌اند. بر اساس محتویات این پرونده می‌توان گفت که ارتباط قبلی بزهکار و بزه دیده و نظریه سبک زندگی یکی از اولین تلاش‌ها برای تبیین بزه دیدگی کیفری است. به عبارت دیگر، بزه دیده شدن جرم یک واقعه اتفاقی نیست، بلکه بزه دیدگی بر اساس ارتباط بزهکار و بزه دیده و سبک زندگی افراد و رفتار و کردار آنان در زندگی متغیر است و نوع زندگی افراد نقش کلیدی در آسیب‌پذیری آن‌ها دارد. زیرا هر قدر فعالیت‌های شغلی، تفریحی و اوقات فراغت وی در خارج از خانه بیش‌تر باشد، در دسترس‌تر و در نتیجه بیش‌تر در معرض بزه دیدگی قرار خواهد گرفت. بدین‌سان توزیع نامنظم بزه دیدگی در جرائم جنسی را در زمان و مکان برحسب شیوه زندگی و ارتباط آنان با یکدیگر تبیین می‌کند. در این میان، مجرد بودن، زیاده‌روی در نوشیدن مشروبات الکلی و... نرخ بزه دیدگی جرائم جنسی را بالا می‌برد. (Gottfredson, 1984: 31) به‌طوری‌که می‌توان گفت سبک زندگی افراد ممکن است در تولد اندیشه‌های مجرمانه و سپس در فرایند فعلیت بخشیدن به این اندیشه، از طریق تسریع فرایند ارتکاب جرم و در نتیجه بزه دیدگی و تحریک بزهکار مؤثر باشد.

بر پایه قاعده اقدام هم در مواردی که شخصی به ضرر جان، اعضا و جوارح خود باوجود هشدار و تحذیر و امکان فرار، اقدام کند مسئولیت و ضمان متوجه خود شخص بزه دیده خواهد شد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۴: ۱۱۹-۱۱۱) مواردی که بزه دیده، رفتار تقصیر آمیز مبتنی بر

خطا، تقصیر و یا اشتباه دارد، به جهت این که رفتارهای تحریک آمیز و تأثیرگذار فرد بزه دیده در مسئولیت کیفری بزهکار مؤثر هست لذا این موارد را می توان در قالب قاعده اقدام و آموزه های بزه دیده شناسی علمی مورد بحث و بررسی قرارداد. بر اساس ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آن که به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن ها انجام شود». در قتل عمدی یکی از مواردی که با وجود قصد قتل توسط مرتکب جرم، می تواند رابطه استنادی بین رفتار مرتکب و نتیجه حاصله را قطع کند رفتار خود بزه دیده (مقتول) است، به طوری که می توان گفت بزه دیده می تواند با انجام رفتارهای عمدی ولی ناآگاهانه که ممکن است گاهی حتی به صورت ترک فعل نیز باشد، رابطه استناد بین عمل قاتل و قتل حاصله را قطع کند. با این وجود در برخی موارد سوءنیت مرتکب چنان گسترده است که رفتار تحریک آمیز بزه دیده در قطع رابطه استناد تأثیری در انتساب قتل به مرتکب نخواهد داشت. حال باید دید که رفتار بزه دیده در چه مواردی رابطه استناد در قتل عمدی را قطع می کند و سوءنیت مرتکب چه تأثیری بر انتساب قتل دارد؟ بزه دیده به طرق مختلفی می تواند در قتل خویش نقشی اساسی داشته باشد. از دیدگاه زه دیده شناسی علمی آن چه که منجر به قطع رابطه استناد در قتل می گردد، بزه دیده و سهم او در ارتکاب جرم است. (رون زاد و شاکری، ۱۳۸۲: ۱۴۷) در بررسی جرم قتل می توان اذعان داشت یک شخص بنا به دلایل مختلف می تواند با یک رفتار عمدی و ناآگاهانه خود را در مسیر ارتکاب جرم قرار دهد. در این حالت بزه دیده علم به کشنده بودن رفتار مرتکب جرم ندارد، ولی رفتار و تقصیر مرتکب به صورت عمدی است، مانند زمانی که شخصی قصد کشتن فرد «الف» را دارد و او را به منزل خود دعوت می کند و در چای او سم می ریزد. در این هنگام فرد «ب» از راه می رسد و بدون اجازه مرتکب جرم، چای را می نوشد و جان خود را از دست می دهد. با توجه به این که بزه دیده جرم هدف قاتل نبوده و مرتکب جرم هم هیچ گونه برنامه ی قبلی بر قتل او نداشته، بنابراین قتل منتسب به قاتل نخواهد بود و بزه دیده با رفتار ناآگاهانه و بی احتیاطی خود و نبودن رابطه استناد بین رفتار قاتل و رفتار بزه دیده و نتیجه حاصله بر اساس ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی و قاعده اقدام، این قتل منتسب به رفتار قاتل نخواهد بود، بلکه مستند به رفتار خود بزه دیده بوده و مربوط به زمانی است که مرتکب قادر به بازداشتن قربانی جرم از اقدام علیه خود نشود. بند «الف» ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی نیز چنین مقرر می دارد «هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افراد معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک طرف جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا

نظیر آن بشود یا نشود». بر اساس این بند، هرگاه مرتکب قصد کشتن شخص معینی را داشته باشد ولی شخص دیگری با رفتار عمدی و آگاهانه خود بدون اطلاع مرتکب و بدون این‌که حتی عرفاً برای مرتکب قابل پیش‌بینی باشد که ممکن است فرد دیگری بزه دیده واقع شود، قتل منتسب به رفتار و تقصیر عمدی خود بزه دیده خواهد بود. چراکه بر اساس قاعده اقدام بین رفتار قاتل و بزه دیده هیچ‌گونه رابطه استنادی برقرار نیست. البته ممکن است در این موضوع، بزه دیده با رفتار عمدی ولی ناآگاهانه، به کشته شدن خود رفتار خود عملی را انجام دهد که باعث قتل خودش توسط مرتکب شود لذا بایستی تفکیک قائل شد بین زمانی که مرتکب قادر به ممانعت از ارتکاب رفتار کشته کننده توسط بزه دیده باشد و حالتی که قادر به کنترل انجام رفتار کشته کننده توسط بزه دیده نباشد. در حالت اول، از نظر عرفی قتل منتسب به رفتار قاتل خواهد بود ولی در حالت دوم، به علت توانایی نداشتن مرتکب جرم بر کنترل رفتار کشته کننده توسط بزه دیده، قتل مستند به رفتار و بی‌احتیاطی خود بزه دیده خواهد بود. بر اساس بند «ب» ماده نیز «هرگاه مرتکب عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آنرا نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب جنایت یا نظیر آن می‌شود.» به عنوان مثال از دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی علمی، اگر چنانچه مرتکب یک بمب را در یک مکان غیرعمومی مثلاً در منزل خود و برای کشتن یک شخص معین کار گذارد و شخص دیگری آن را به تصور این‌که شیء خطرناکی نیست، جابه‌جا کند و در نتیجه آن انفجار کشته شود، قتل ارتكابی مستند به خود بزه دیده خواهد بود. مانند سارقی که به صورت اتفاقی وارد خانه شخصی شده و با بمبی که شخص دیگری برای صاحب‌خانه کار گذاشته است کشته شود. ولی اگر همین فرد بمبی را در ملک شخصی دیگری قرار دهد و شخص مذکور برای خنثی کردن بمب از شخصی کمک بگیرد ولی در اثر انفجار پلیس کشته شود، قتل مستند به عمل بمب‌گذار خواهد بود. چراکه شخصی که بمب‌گذاری کرده احتمال دخالت پلیس را داده است، هرچند قصد کشتن پلیس را نداشته است، ولی عمل وی مصداق کار نوعاً کشته کننده است که در بند «ب» ماده ۲۹۰ اشاره شده است. ترک فعل از جانب شخص بزه دیده از روی تقصیر نیز یکی از موارد دیگری است که به دلیل سهل‌انگاری بزه دیده مرتکب جرم از مسئولیت کیفری معاف می‌شود (کلانتری و قلی‌زاده، ۱۳۹۶: ۸۸) که ماده ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی به این موضوع پرداخته است: «در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصرأً مستند به عمد یا تقصیر مجنی علیه باشد ضمان ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد، لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی

علیه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست». مثلاً اگر شخص «الف» فرد «ب» را درون آتش بیندازد و فرد بزه دیده باوجود امکان نجات خود از درون آتش بیرون نیاید، در این صورت اگر فرد «ب» کشته شود با توجه به تقصیر بزه دیده، جانی به قصاص محکوم نخواهد شد. چراکه با ماندن در آتش قصد خودکشی کرده است و فعل کشته شدن منتسب به خود بزه دیده است و مرتکب در آن مقصر نیست. این موضوع چه از دیدگاه فقهی و عرفی و چه از دیدگاه بزه دیده شناسی علمی به دلیل این که جرم مزبور موضوعیت نداشته، قتل قابل انتساب به مرتکب جرم نیست.

۳-۲. تقصیر بزه دیده در جرائم مستوجب دیه

در توجه مقنن به تقصیر بزه دیده در رویکرد جرائم مستوجب دیه نیز با توجه به این که تقصیر بزه دیده در ارتکاب جرم از دیدگاه بزه دیده شناسی علمی، همیشه به صورت رفتار و گفتار تحریک آمیز نبوده و ممکن است تقصیر به صورت اعمال و رفتار ناآگاهانه بزه دیده، سهل انگاری و بی احتیاطی بزه دیده هم مطرح شود، بنابراین در این راستا می توان در فصل ششم (موجبات ضمان) کتاب دیات در مواد ۵۰۴، ۵۰۷ و ۵۱۱ قانون مجازات اسلامی به تقصیر بزه دیده اشاره کرد.

مطابق ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی، در تصادفات رانندگی منتهی به قتل و جرح خطایی باوجود تقصیر مقتول یا مصدوم، مسئولیت طرفی که مقصر نیست به پرداخت دیه و خسارت موردی ندارد. بنابراین در موردی که خود مقتول (بزه دیده) اساساً مرتکب خطا یعنی بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت و یا عدم رعایت نظامات دولتی شده و این خطا در پیدایش خطر و مرگ وی علت انحصاری فوت وی باشد و در مقابل، متهم هیچ گونه خلافتی مرتکب نشده باشد، در این حالت مسئولیت کیفری متهم به جهت قتل منتفی است.^۱ (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۳۷۶) هر چند این ماده ناظر بر مصداق خاص یعنی عابر و راننده است، ولی می توان حکم آن را به تمام مواردی که مرتکب مقصر نباشد، ولی بزه دیده تخلف نموده باشد و تقصیر او سبب حادثه باشد، تسری داد.

^۱ چنان چه راننده ای همه ضوابط قانونی راهنمایی و رانندگی را در اجرای آیین نامه و قوانین جاری رعایت کند و علت تصادف بی احتیاطی یا بی مبالاتی عابر باشد و از محل های غیر مجاز عبور کند راننده فاقد مسئولیت کیفری است. (تبصره الحاقی مصوب ۱۳۵۸/۲/۳۱ به ماده ۸ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرائم رانندگی مصوب ۱۳۳۵/۲/۳۰)

بر طبق ماده ۵۰۷ نیز که با اندک تغییراتی برگرفته از ماده ۳۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ است، اشاره به این موضوع شده که در صورت تقصیر بزه دیده، مسئولیت از عهده مرتکب جرم برداشته شود. این ماده مقرر کرده است: «هرگاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک گودالی حفر کند یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد، ضامن دیه است، مگر این که فرد آسیب دیده با علم به آن و امکان اجتناب عمداً با آن برخورد نماید». نظریه شماره ۷/۶/۲۵ - ۱۳۸۸/۹/۳۰ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز این موضوع را تأیید کرده و چنین اذعان می‌کند: «چنان چه شخصی جهت حفاظت از منزل خود، حفاظ منزل خود را به برق متصل نماید، به گونه‌ای که رهگذران به طور عادی با آن برخورد نمی‌نمایند، هرگاه فردی با رفتن بالای دیوار (به قصد سرقت) با آن برخورد نموده و دچار برق‌گرفتگی شود و فوت نماید، توجهات به قسمت آخر ماده ۳۳۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) مسئولیتی متوجه صاحب‌ملک نیست». (شهری و ستوده جهرمی، ۱۳۷۷). نفوذ آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی را می‌توان در این نظریه مشورتی به‌روشنی مشاهده کرد. در این جا فرد بزه دیده به علت بی‌احتیاطی و ناآگاه بودن از وضعیت موجود جهت سرقت از دیوار بالا رفته و دچار برق‌گرفتگی شده و صاحب‌منزل هیچ نقشی در ارتکاب جرم نداشته است.

ماده ۵۱۱ قانون مجازات اسلامی نیز در زمینه توجه به تقصیر بزه دیده در وقوع جرم حائز اهمیت است. چراکه این ماده مقرر می‌دارد که «کسی که در ملک خود یا در مکان یا راهی که توقف در آن جا مجاز است توقف کند یا وسیله نقلیه خود یا هر شد مجاز دیگری را در آنجا قرار دهد و شخص با آن برخورد کند و مصدوم گردد یا فوت کند ضامن نیست و چنان چه خسارتی بر او یا مالش وارد شود، برخوردکننده ضامن است». در این ماده ملاحظه می‌شود که فردی که به شخص متوقف برخورد می‌کند بزه دیده است، اما بزه دیده‌ای کاملاً مقصر و نه بزه دیده بی‌گناه. هم‌چنین حکم این ماده اطلاق دارد، بنابراین شامل صورتی هم می‌شود که مصدوم (بزه دیده) آگاهانه و با قصد به شخص یا وسیله متوقف شده برخورد کند یا بدون آگاهی و قصد باشد. هم‌چنین اطلاق ماده شامل موردی هم می‌شود که بزه دیده چاره دیگری نداشته باشد. لذا برابر حکم این ماده، برخوردکننده در هر سه صورت، مسئول پرداخت خسارت به شخص متوقف است. (زراعت، ۱۳۹۴: ۵۷۱) ظاهراً حکم این ماده از مصادیق سبب و مباشر است که مباشر مسئول می‌باشد، اما در جمع دو سبب نیز عرفاً سببی مسئول شناخته می‌شود که فعال باشد و سبب ساکن زمینه‌ساز حادثه است.

علاوه بر موارد مذکور در قانون مجازات اسلامی، در ماده ۴ قانون ایمنی راه‌ها اصلاحی ۱۳۷۹ نیز به آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی توجه شده است. برابر این ماده، ورود و عبور عابرین پیاده و انواع وسایط نقلیه غیرمجاز و عبور دادن دام در آزادراه‌ها و هم‌چنین توقف وسایط نقلیه در خطوط عبور ممنوع است. هرگاه به جهات مذکور حادثه‌ای واقع شود که منجر به ضرب و جرح یا قتل یا خسارت مالی شود، راننده مجاز که وسیله نقلیه او مجاز به حرکت در آزادراه باشد نسبت به موارد فوق مسئولیتی نخواهد داشت، ولی در هر حال مکلف است در صورت بروز حادثه وسیله نقلیه را در شانه سمت راست متوقف نموده و مصدوم را با وسیله نقلیه خود یا وسیله نقلیه دیگر بلافاصله به اولین درمانگاه یا بیمارستان برساند و مراتب را به مأمورین انتظامی اطلاع دهد. عدم مسئولیت راننده مذکور مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود. با توجه به تبصره ۱ این ماده، وزارت راه و ترابری محل‌های توقف ضروری مجاز وسایط نقلیه را در طول آزادراه‌ها مشخص کرده است. بنابراین اگر وسیله نقلیه و یا عابری از محل‌های ممنوعه در آزادراه‌ها بگذرد و آسیبی به او وارد شود با توجه به تقصیر خود در بروز ارتکاب جرم، از دیدگاه آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی به‌عنوان بزه دیده مقصر شناخته شده و فرد خاطی هیچ‌گونه مسئولیت کیفری بر عهده‌اش نخواهد بود.

در مجموع بر پایه آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی، رفتارهایی که خطر یا مجال بزه دیدگی را افزایش می‌دهند، رفتارهایی حاکی از دعوت، ترغیب یا رفتار نسنجیده بزه دیده است که واکنش تلافی جویانه بزه‌کار را به دنبال دارد و در اثر آن واکنش ممکن است جان یا مالش را از دست بدهد. لذا ضروری است که قضات محاکم صرفاً به رنج ظاهری بزه دیده توجه نکرده و در مقام تشخیص و تفکیک بزه دیده بی‌گناه از بزه دیده مقصر برآمده و در صدور حکم متناسب و عادلانه و تعیین کیفر، در کنار پرونده شخصیت متهم، پرونده شخصیت بزه دیده و اظهار نظر کارشناسان ذی‌ربط هم مدنظر قرار گیرد.

۲-۴. تقصیر بزه‌دیده در جرائم تعزیری

در حقوق کیفری باید تحریک و تقصیر آگاهانه که نشان‌دهنده تقصیر بزه دیده در ارتکاب جرم است مورد توجه قرار گیرد. چراکه مبنا قرار دادن صرف از دست دادن کنترل موجب نادیده گرفتن نقش موثر بزه دیده در ارتکاب جرم و تأثیر آن بر میزان تخفیف مسئولیت کیفری بزه‌کار می‌شود. بر این اساس می‌توان اذعان داشت که تأثیر رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه دیده، توانایی به فعل رساندن اندیشه مجرمانه را دارد. فون هنتیگ معتقد است که با نگاه دقیق‌تر

می‌توان بزه دیده را عامل تحریک‌کننده شناخت که بدون تحریک وی جرم اتفاق نمی‌افتد. (Von Hentig, 1994: 305)

در کتاب کلیات قانون مجازات اسلامی نیز توجه آگاهانه قانون‌گذار به یافته‌های بزه دیده شناسی در جرائم مستوجب تعزیر در بحث تخفیف و تبدیل مجازات در بند «پ» ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی^۱ به چشم می‌خورد که می‌تواند در واقع گرایانه‌تر کردن پاسخ‌های عدالت کیفری نقش آفرین باشد. این ماده در زمینه تحریک بزهکار از سوی بزه دیده، از سه جهت قابل ارزیابی است:

نخست، از نظر گاه حقوق کیفری، رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه دیده یکی از کیفیات تخفیف دهنده مجازات شناخته شده است. دوم، از دیدگاه جرم‌شناسی؛ تحریک بزهکار از سوی بزه دیده یکی از شرایط یا اوضاع و احوالی است که قبل از رخداد جرم، فرآیند گذار اندیشه به عمل مجرمانه را شتاب می‌بخشد و سوم، از منظر بزه دیده شناسی؛ تحریک بزهکار از سوی بزه دیده از یک سو نمایانگر نقشی است که بزه دیده می‌تواند در رخداد جرم داشته باشد و از سوی دیگر، یادآور نظریه‌ای است به نام «شتاب دهنده‌گی بزه دیده»^۲ که بر پایه مفهوم سرزنش پذیری بزه دیده در نظریه‌های علوم جنایی تبیین می‌شود. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۹۹) اما نکته مهمی که در خصوص بند «پ» ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی نباید از آن غافل شد این است که از دیدگاه بزه دیده شناسی حقوقی-انتقادی، مقنن در این بند رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه دیده را بدون در نظر داشتن حالت‌های مختلف این رفتار، به صورت تکلی بیان کرده است. در حالی که می‌توانست با توجه به یافته‌ها و نظریه‌های بزه دیده شناسی علمی مفاد این بند را بر اساس مطالعات و پژوهش‌های میدانی و بالینی- صریح‌تر و با تفصیل انشاء کند و حالت‌های مختلف رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه دیده را مشخص کند تا قاضی با عنایت به آن‌ها بتواند میزان مسئولیت هر یک را مشخص کرده و با توجه به میزان مسئولیت آن‌ها مجازات عادلانه تعیین کند. مثلاً به مواردی مانند ارتباط‌های خاص بزه دیده و بزهکار و ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی منحرفانه و تحریک‌آمیز که می‌تواند موجب ارتکاب جرم از جانب بزهکار شود، اشاره کند و ضرورت تشکیل پرونده «پیراقضایی» که شامل اطلاعاتی درباره ویژگی‌های فردی و

۱. اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب

جرم.

۲. Accelerated Victim (شتاب دهنده‌گی بزه دیده)؛ اصطلاح جامعه‌شناختی است که به اعمال شخص بزه دیده اشاره دارد که بزهکار را برای ارتکاب جرم برمی‌انگیزد. (Wolfgang, 1985: 183)

محیطی بزهکاران است تا قضات بر اساس همه اطلاعات مربوط به پدیده مجرمانه و کنش گران دعوی کیفری، تصمیم‌هایی منطبق بر واقعیت‌ها اتخاذ کنند. (نیاز پور، ۱۳۹۳: ۱۲۵-۱۲۴) به عبارت دیگر، وقتی بزه دیدگان بارتارو گفتار خود، مجرمان احتمالی (بالقوه) را به ارتکاب بزهکاری ترغیب می‌نمایند، پیش‌بینی این مؤلفه گویای معیاری ذهنی است که در پهنه جرم‌شناسی بالینی به‌عنوان یک ملاک برای ارزیابی حالت خطرناک بزهکار به شمار می‌رود. زیرا بر اساس این ملاک، ارتکاب جرم از سوی آن دسته از شهروندان که به‌واسطه تحریک بزه دیده به آن مبادرت ورزیده‌اند، نشان‌دهنده درجه خطرناکی آن‌هاست؛ به این ترتیب در پهنه جرم‌شناسی نظری رفتار بزه دیده به‌عنوان یکی از واکنش‌های اجتماعی که بر فرآیند فعلیت یافتن اندیشه مجرمانه تأثیر می‌گذارد، مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی قرار گرفته است، چنان‌که به اتخاذ راهبرد افتراقی سازی تدابیر عدالت کیفری برای برخورد با بزه دیدگان مقصّر، نسبت به بزه دیدگان بدون تقصیر منجر شده است. علاوه بر بند «پ» ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی، نهاد تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم ذیل فصل ششم از کتاب اول، به‌موجب مواد ۴۰ و ۴۶ قانون مجازات اسلامی نیز یکی از شرایط شان برای اجرایی شدن، جهت تخفیف از جمله از اوضاع و احوال خاص در ارتکاب جرم مثل رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه دیده هست. بدین ترتیب قانون‌گذار با تصریح بر اوضاع و احوال موجب وقوع جرم، به‌طور ضمنی و غیرمستقیم از دیدگاه‌های علمی و جرم‌شناختی نیز تأثیر پذیرفته است و این قبیل مقررات در قلمرو سیاست جنایی تقنینی ایران نشان دهنده گام‌های مثبتی است که قانون‌گذار در راستای اجرای عدالت کیفری برداشته است، لکن وجود این قبیل مقررات، اولاً به‌تنهایی کافی نیست و لازم است مقررات دقیق و جامعی در این مورد وضع شود. ثانیاً این مقررات هم خالی از عیب نیست، چراکه اختیاری بودن تخفیف یا تعلیق مجازات در شرایط مذکور به معنای نادیده انگاشتن یافته‌های دانش بزه دیده شناسی علمی است. (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۵۵)

بدین‌سان، در خصوص تقصیر بزه دیده در وقوع جرم، مقنن با به کار بردن واژه «بزه دیده» به جای «مجنی علیه» به‌طور آگاهانه بر تعامل یافته‌های جرم‌شناختی و آموزه‌های حقوق کیفری صحه گذاشته و پذیرفتن این واقعیت، از این تحول در حقوق کیفری معاصر حکایت می‌کند که افزون بر ضرورت احراز مسئولیت کیفری بزهکار برای تحمیل مجازات بر او، سرزنش پذیری یا تقصیر بزه دیده می‌تواند در کاهش پیامدهای مسئولیت بزهکار نقش داشته باشد. (نوقربانی و نوقربانی، ۱۳۸۹: ۷۳) این سیاست از یک‌سو، می‌تواند به پیشگیری از جرم و بزه دیدگی کمک کند و از سوی دیگر، می‌تواند در هم ترازی حقوق بزه دیده و بزهکار، به‌منزله

هدف راهبردی نظام عدالت کیفری موثر باشد. بنابراین اوضاع و احوال موثر در ارتکاب جرم باید توسط قانون‌گذار تبیین و تعیین شوند و عنوان کردن آن‌ها در یک عبارت کلی و مطلق منجر به تشتت آرا و منحرف شدن از اهداف سیاست جنایی مورد نظر قانون‌گذار است.

نتیجه‌گیری

امروزه تحولات نوین در حوزه مطالعات جرم‌شناسی سبب شده است که توجه محققان علوم اجتماعی و جرم‌شناسی به آن‌سوی عمل مجرمانه، یعنی قربانیان جرائم معطوف شود. در حقوق کیفری ایران نیز آموزه‌های این دانش نوین علوم جنایی در قوانین کیفری تأثیر خود را گذاشته و قابل مشاهده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، از داده‌های دانش بزه دیده شناسی علمی تأثیر پذیرفته است و سیاست‌گذاران تقنینی، قضایی و اجرایی نیز نقش افراد بزه دیده در فرایند فعلیت یافتن پدیده مجرمانه به‌عنوان یک عنصر فعال در جرائم ارتكابی و آثار این تقصیر بر گستره مسئولیت کیفری بزه‌کار مدنظر قرار داده است. به‌طوری‌که علاوه بر جرائم تعزیری، در بعضی از موارد با الهام از منابع فقهی در حوزه جرائم مستوجب حد و قصاص و دیه نیز نقش بزه دیده در ارتکاب جرم را لحاظ کرده است. بنابراین با بهره‌مندی از دستاوردهای بزه دیده‌شناسی علمی می‌توان تقصیر بزه دیده، وضعیت روحی و روانی بزه دیده، بزه دیده مادرزاد و رضایت و تسهیل ارتکاب جرم توسط بزه دیده را شناسایی کرد و در نهایت با استفاده از آموزه‌های بزه دیده شناسی نخستین، در صدد حمایت کم‌تر از بزه دیدگان و پیشگیری از بزه دیده واقع‌شدن برآمد. در این پژوهش بررسی‌ها نشان داد که هرچند نقش بزه دیده در جرائم مستوجب تعزیر به‌صورت وسیعی مورد توجه قانون‌گذار و قضات دادگاه‌ها قرار گرفته و در این زمینه مشکل چندانی به نظر نمی‌رسد، اما در رابطه با در نظر گرفتن نقش بزه دیده در میزان مجازات بزه‌کار در جرائم مستوجب حد، قصاص و دیه به دلیل ثابت بودن مجازات‌ها و عدم اختیار قاضی در تخفیف مجازات‌ها، هنوز خلأ قانونی وجود دارد و بررسی این موارد در قانون مجازات اسلامی ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌رسد. در خاتمه پیشنهاد می‌شود مقنن با استفاده از یافته‌های بزه دیده شناسی علمی، فصل جداگانه‌ای را به مباحث تقصیر بزه دیده اختصاص داده و در طی موادی تأثیر تقصیر بزه دیده بر مسئولیت کیفری بزه‌کار را تبیین نماید تا از تناقضات قانونی جلوگیری شود. هم‌چنین با توجه به این‌که تاکنون برای پیشگیری فقط به‌عنوان عامل جرم‌زا توجه شده است و در مواردی که وقوع جرم ناشی از رفتار بزه دیده است پیشگیری به‌طور خاص صورت نگرفته است، لذا بهتر است مقنن به

پیشگیری از بزه دیدگی نیز در قانون توجه نموده و اشخاص مستعد بزه دیدگی را از موقعیت یا خصوصیات بزه دیده زایشان مطلع نماید تا بدین طریق از بزه دیدگی آن‌ها جلوگیری شود. چراکه جرم حاصل فرایندی است که دو قطب بالقوگی مجرمانه و بالقوگی بزه دیدگی دارد و این بزه‌کار و بزه دیده هستند که بزه را خلق می‌کنند، لذا شایسته است که در پیشگیری هم هر دو زوج کیفری مورد توجه قرار گیرند.

منابع و مأخذ

الف: منابع فارسی

۱. آشوری، محمد، نقش زبان دیده از جرم و تحول آن در دعاوی کیفری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۳۴، ۱۳۷۴.
۲. ابراهیمی، پیمان، بزه دیده به منزله شاکی و حقوق او در مقررات دادرسی کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۳-۵۲، ۱۳۸۴.
۳. بابایی، محمدعلی، جرم‌شناسی بالینی: تحولات مفهوم حالت خطرناک، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
۴. باهری، محمد؛ شکری، رضا و داور، علی‌اکبر خان، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، چاپ چهارم، تهران، نشر مجد، ۱۳۹۴.
۵. بیگی، جمال، بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸.
۶. بیگی، جمال؛ یزدانی، حکیمه؛ اکبری، سید صادق و شیریان نسل، مریم، آسیب‌شناسی آموزه‌های بزه دیده شناسی حمایتی در کتاب قصاص قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (کتاب قصاص)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، خرداد ۱۳۹۳.
۷. پاک روش، کبری، بزه دیده شناسی؛ رویکردی جدید به بزه دیده، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۱۳، ۱۳۸۷.
۸. پاک‌نهاد، امیر، عذر تحریک؛ مبانی و آثار مطالعه‌ای در حقوق ایران و انگلستان، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، ش ۵۴، ۱۳۸۵.
۹. پرویزی، رضا، پیشگیری وضعی و نقش آن در پیشگیری از قتل، تهران، معاونت آموزش ناجا، اداره کل پژوهش و تألیفات، ۱۳۷۹.

۱۰. توجهی، عبدالعلی، جایگاه بزه دیده در سیاست جنایی ایران، رساله دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.
۱۱. توجهی، عبدالعلی و نجفی ابرندآبادی، علی حسین، بزه دیده شناسی و مشکل بزه دیدگی‌های گزارش نشده، مجله مدرس، ش ۴، ۱۳۷۸.
۱۲. جوان جعفری، عبدالرضا و شاهیده، فرهاد، رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه دیده در قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۵، ۱۳۹۲.
۱۳. حسینی کوهساری، اصغر، جایگاه بزه دیده در جرائم علیه اموال و مالکیت، ماهنامه قضاوت، ش ۶۹، ۱۳۹۰.
۱۴. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده شناسی: تحولات بزه دیده شناسی و علوم جنایی، ج ۱، چاپ اول، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰.
۱۵. رحیمی نژاد، اسمعیل، جرم‌شناسی، چاپ اول، تبریز، نشر فروزش، ۱۳۸۸.
۱۶. رحیمی نژاد، اسمعیل، کرامت انسانی در حقوق کیفری، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.
۱۷. رون زاد، علی‌رضا و شاکری، ابوالحسن، عوامل قطع رابطه انتساب در قتل در حکم شبه عمد، مجله حقوقی دادگستری، ش ۴۳، ۱۳۸۲.
۱۸. زراعت، عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ج ۱، چاپ چهارم، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۹۴.
۱۹. زکوی، مهدی، بزه دیدگان خاص در پرتو بزه دیده شناسی حمایتی، تهران، نشر مجد، ۱۳۹۱.
۲۰. سلیمی، علی و داوری، محمد، جامعه‌شناسی کج‌روی، قم، چاپ ششم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
۲۱. سماواتی پیروز، امیر، عدالت ترمیمی؛ تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، تهران، نشر نگاه بینه، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۲۲. شاهیده، فرهاد و جوان جعفری، عبدالرضا، پیشگیری وضعی از بزه دیدگی زنان در جرائم جنسی، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، سال اول، ش ۲، ۱۳۹۳.
۲۳. شاهیده، فرهاد، مطالعه مبانی بزه دیده شناسی نخستین (علمی) در قانون مجازات اسلامی و چگونگی اعمال آن در آرای دادگاه‌ها، پایا نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.

۲۴. شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش، نظریهای اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، ج ۱، چاپ دوم، تهران، نشر روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۷.
۲۵. صادقی فسایی، سهیلا و میر حسینی، زهرا، عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، ش ۱، ۱۳۹۰.
۲۶. عبدالفتاح، عزت، بزه شناسی و بزه دیده شناسی، ترجمه اسماعیل رحیمینژاد، فصلنامه مفید، ش ۸۱، ۱۳۷۸.
۲۷. کلانتری، کیومرث و قلیزاده، بهروز، نقش رفتار مقتول در رابطه با استناد قتل عمدی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، ش ۱۹، ۱۳۹۶.
۲۸. گسن، ریموند، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ پنجم، تهران، نشر مجد، ۱۳۹۲.
۲۹. گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی: بر مبنای قانون مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ (به همراه مفاهیم جدید و قوانین جزایی پیشین)، چاپ بیست و چهارم، تهران، نشر مجد، ۱۳۹۶.
۳۰. مالکی زاده، سروش، فرایند جبران خسارت بزه دیدگان در نظام عدالت کیفری ایران، ماهنامه دادرسی، ش ۷۰، ۱۳۸۷.
۳۱. مدنی، قاسم، بررسی جایگاه بزه دیده در اعمال مجازات‌های حدی، ۱۳۹۷، قابل دسترسی در سایت <http://ghasemmadani.blogfa.com/post/64>
۳۲. مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، دانشنامه بزه دیده شناسی و پیشگیری از جرم، ترجمه اساتید حقوق کیفری و جرم‌شناسی سراسر کشور، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، ج ۲، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.
۳۳. معاونت آموزش قوه قضائیه، توصیف و تحلیل علمی آرای قضایی مسائل جزایی، ج ۱، قتل عمد، چاپ اول، تهران، نشر جاودانه، ۱۳۸۷.
۳۴. موسوی بجنوردی، سید محمد، قواعد فقهیه، ج ۱، چاپ پنجم، تهران، نشر مجد، ۱۳۹۴.
۳۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ چهارم، تهران، نشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵.
۳۶. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی (بزه دیده شناسی)، دانشگاه شهید بهشتی، ۷۴-۱۳۷۳.

۳۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی (بزه دیده شناسی علت شناختی)، تهیه و تنظیم مجید صادق نژاد نائینی، نیم سال دوم سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶.

۳۸. نوقربانی، حسین و نوقربانی، محمدحسن، لایحه قانون مجازات اسلامی در پرتو تعامل حقوق کیفری با جرم‌شناسی، مجله پیام آموزش، ش ۴۶، ۱۳۸۹.

۳۹. نیازپور، امیرحسن، بررسی جرم شناسانه ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۷، ۱۳۹۳.

۴۰. ویلیامز، کترین، روش زندگی و تأثیرگذاری بزه دیده بر وقوع جرم، ترجمه علی صفاری، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۴۱، ۱۳۸۴.

۴۱. یزدانی، حکیمه، جایگاه آموزه‌های بزه دیده شناسی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی، ۱۳۹۳.

ب: منابع انگلیسی

42. Christmann, Cris & Rogerson, Michelle, *Crime, Fear of Crime and Quality of Life Identifying and Responding to Problems*, Sheffield Hallam University, 2004.
43. Farel, B. & Philips, G., *Victimology*, British Journal of Criminology, Vol. 35, No. 2, 1995.
44. Fattah, E. A., *Understanding Criminal Victimization*, Prentice-Hall, 1991.
45. Gottfredson, M., *Victims of crime: the dimensions of risk*, Home Office Research Study, No. 81, London: HMSO, 1984.
46. Karmen, Andrew, *Victimology*, 2018, Available in: <https://www.britannica.com/topic/victimology>
47. Karmen, Andrew: *Crime Victim: An Introduction to victimology*, Pacific Grove Publishing. CA Code: Books code, 1990.
48. Schafer, S., *The Victim and his Criminal: A Study in Functional Responsibility*, New York, 1964/1968.
49. Von Hentig, Hans, *Remarks on the Interaction of Perpetrator and Victim*, Journal of Criminal Law, Criminology and Police Sciences, No. 31, 1994.
50. Wolfgang, Marvin, *Victim Precipitation in Victimology and in Law*, In Questions and answers in Lethal and Non-Lethal Violins, Washington DC, National Institute of Justice, NCJ147480, 1993.
51. Wolfgang, Marvin, *Patterns in Criminal homicide*, New York, NY: John Wiley and Son, Inc, 1985.